

## رژیم صهیونیستی اسرائیل ناقض حقوق بشر

دکتر سید محمد موسوی<sup>۱</sup>

### چکیده

تحولات بین‌المللی بیانگر آن است که جنایات اسرائیل علیه مردم فلسطین همچنان در کانون توجهات جهانی قرار دارد. رژیم صهیونیستی اسرائیل از زمان تأسیس تاکنون جنایات زیادی را در سرزمین‌های اشغالی فلسطین مرتکب شده است. اسرائیل از ابتدای پیدایش و حضور در فلسطین، در کنار تمام مسائل نظامی و خشونت‌های کار گرفته در برابر مسلمانان سرزمین‌های اشغالی، به صورت گسترده به نقض حقوق بشر نیز پافشاری داشته است. اسرائیل بارها به دلیل نقض حقوق زنان در رتبه نخست گزارش حقوق بشری سازمان ملل قرار گرفته و در جایگاه نخست بزرگترین ناقض حقوق بشر جهان حضور یافته است. قطعنامه‌هایی که علیه اسرائیل در زمینه نقض حقوق بشر صادر شده است، مملو از «درخواست‌ها»، «محکومیت‌ها»، «ابراز نگرانی‌ها» و «ابراز تأسف‌ها» و همچنین دستور به «پایان دادن فوری» به نقض حقوق بشر بود. مقاله حاضر

تلاش دارد با استفاده از روش تحقیق توصیفی- تحلیلی از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه، موارد نقض حقوق بشر توسط دولت اسرائیل به ویژه در جنگ علیه غزه را مورد ارزیابی قرار دهد. دستاوردهای پژوهش حاکی از آن است که در این جنگ، رژیم صهیونیستی مرتکب جنایاتی از قبیل استفاده از سلاح‌های ممنوعه، حمله به جمعیت غیرنظامی و اموال غیرنظامیان، حمله به مدارس و مساجد و بیمارستان‌ها و نیروهای امدادگر و غیره شده است که نقض فاحش حقوق بین‌الملل و جنایت جنگی و جنایات علیه بشریت محسوب می‌شوند و طراحان، آمرین و عاملین آن مستوجب تعقیب، محاکمه و مجازات می‌باشند.



## کلیدواژه

حقوق بشر، رژیم صهیونیستی، اسرائیل، فلسطین، غزه، کرانه باختری

### مقدمه

اسرائیلی اجازه می‌دهد، فلسطینی‌ها را بدون دلیل و تفهیم اتهام یا برگزاری محاکمه تا شش ماه زندانی کنند و دوران حبس این زندانیان برای مدت زمان نامحدود قابل تمدید خواهد بود. بیش از ۷ هزار فلسطینی در زندان‌های اسرائیل حضور داشتند که براساس گزارش‌های منتشر شده بسیاری از آنان در قالب به اصطلاح «بازداشت اداری» زندانی شده‌اند. این کمیته همچنین درباره سیاست‌های رژیم اسرائیل در «شکنجه و دیگر برخوردهای ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرکننده» یا مجازات‌های غیرقانونی از جمله مجازات کودکان و نوجوانان ابراز نگرانی کرده است. نگرانی شدیدی در خصوص اقدام اسرائیل به عنوان یک قدرت اشغالگر در ادامه نقض حقوق بشر مردم فلسطین شامل

افزایش و تکرار همیشگی نقض حقوق بشر اسرائیل در برابر مردم مسلمان فلسطین، کمیته ضد شکنجه سازمان ملل را بارها به واکنش واداشت. کمیته ضد شکنجه سازمان ملل درباره اقدامات رژیم صهیونیستی چندین بار به اسرائیل هشدار داد. در یک گزارش این کمیته درباره مسائلی مانند بازداشت اداری توسط اسرائیل، استفاده این رژیم از قوه قهریه علیه فلسطینی‌ها، شرایط اسرای فلسطینی از جمله اعتصاب غذا و زندان انفرادی، تخریب منازل فلسطینی‌ها، خشونت شهرک‌نشینان اسرائیلی علیه فلسطینی‌ها ابراز نگرانی شده بود. بازداشت موسوم به «اداری» از جمله سیاست‌های دستگیری بدون تفهیم اتهام به شمار می‌آید که به مقام‌های

رقم نسبت به سال ۲۰۱۴ افزایش یافته است. در سال ۲۰۱۴، ۲۱۷ مورد خشونت گزارش شده؛ اما در سال ۲۰۱۵ این رقم به ۳۰۵ مورد رسیده است. بر اساس گزارش سازمان ملل، در سال ۲۰۱۵، ۱۴۶ تن در فلسطین کشته شده‌اند که بیشتر آن‌ها فلسطینی بوده‌اند. بر همین اساس ۹۴ فلسطینی در حملاتی کشته شده‌اند که در آن اسرائیلی‌ها مدعی شده‌اند، قصد انجام حمله به اسرائیلی‌ها را داشته‌اند. این موارد می‌رساند که اسرائیل در کنار اشغال‌گری در فلسطین، انواع و اقسام نقض حقوق بشری در برابر مردم مسلمان این کشور را نیز اعمال کرده است. این در حالی است که شورای امنیت سازمان ملل نیز از اقدام در راستای کاهش نقض حقوق بشر اسرائیل خودداری کرده و یا اقدام آن به دلیل قدرت حامیان اسرائیل، جنبه عملی نداشته است.

استفاده بیش از حد زور و عملیات نظامی وجود دارد که موجب مرگ و زخمی شدن غیرنظامیان فلسطینی از جمله کودکان و زنان فلسطینی شده است.

همچنین، استفاده بیش از حد از زور علیه راهپیمایی‌های مسالمت‌آمیز و علیه خبرنگاران، استفاده از مجازات جمعی و محصور کردن مناطق تصرف زمین و گسترش شهرک‌سازی‌ها، ساخت یک دیوار در سرزمین‌های اشغالی فلسطینی، سیاست‌ها و اقدامات تبعیض‌آمیز علیه مردم فلسطین در سرزمین‌های اشغالی فلسطین شامل شرق قدس، اختصاص تبعیض‌آمیز منابع آب میان شهرک‌نشین‌های اسرائیلی نگرانی‌های شدیدی را ایجاد کرده است.

سازمان ملل در گزارشی اعلام کرد، در سال ۲۰۱۵ خشونت‌های اعمال شده علیه فلسطینیان در کرانه باختری ۳۰۵ مورد بوده است که این

حضور رژیم جعلی صهیونیستی در خاورمیانه یکی از مهم‌ترین تحولاتی بوده که منطقه را از بعد سیاسی و امنیتی تحت تأثیر قرار داده است و ناآرامی‌های گسترده‌ای را تاکنون در منطقه رقم زده است. امروزه یکی از مهمترین مسایل جامعه بشری مسئله کشتار مردم و غیرنظامیان در فلسطین، غزه و لبنان توسط نیروهای نظامی اسرائیل می‌باشد که همچنان

مورد بی‌اعتنایی جامعه بین‌الملل قرار گرفته است و این رژیم را به بزرگترین ناقض حقوق بشر تبدیل کرده است. با توجه به اهمیت این موضوع این پژوهش قصد دارد بعد از ارائه مختصری از شکل‌گیری و سیاست خارجی اسرائیل در منطقه در پی تحلیل نقض حقوق بشر توسط اسرائیل باشد.

### شکل‌گیری رژیم صهیونیستی

زمانی که در تاریخ ۲۴ ژوئیه ۱۹۲۲ قیومیت انگلستان بر فلسطین رسماً توسط شورای «جامعه ملل» به تصویب رسید، در پرتو حمایت انگلستان و علی‌رغم مخالفت اعراب، مهاجرت یهودیان به فلسطین که از چند سال پیش آغاز شده بود سرعت بیشتری پیدا کرد. از سوی دیگر سیاست ضد یهود «هیتلر» باعث شد تعداد مهاجران اروپایی باز هم بیشتر شود. به طوری که در سال ۱۹۴۶ میلادی از ۱/۹۷۲/۵۶۰ نفر جمعیت فلسطین، بیش از ۶۰۸ هزار نفر آن‌ها را یهودیان تشکیل می‌دادند. در حالی که تعداد یهودیان در سال ۱۹۱۸، حدود ۵۶۰۰۰ نفر بود. بیشتر این مهاجرین از اروپایی شرقی بودند. به موازات ازدیاد جمعیت یهودیان در فلسطین و بالاگرفتن قدرت سیاسی آن‌ها در منطقه، توده‌های عرب که از نفوذ یهودیان خشمگین و در عین حال نگران شده بودند،

انگلستان را تحت فشار گذاشتند تا از صهیونیست‌ها جانب‌داری نکند. در این هنگام صهیونیست‌ها در فلسطین عملاً یک نیروی خود مختار بوجود آورده و یک ارتش سری به نام «هاگانا» درست کرده بودند. وظیفه این ارتش ترور مخالفان و مبارزه با توده‌های عرب بود. بعد از پایان جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۷ انگلستان اعلام کرد سال بعد، از فلسطین بیرون خواهد رفت و اداره آن را به سازمان ملل خواهد سپرد. در تاریخ ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷ مجمع عمومی سازمان ملل متحد با صدور قطعنامه‌ای فلسطین را به سه قسمت کرد. ۴۳ درصد آن را در اختیار عرب‌ها و ۵۶ درصد آن را در اختیار یهودیان قرار داد. بیت‌المقدس نیز بین‌المللی اعلام گردید. زمانی که قیومت بریتانیا بر فلسطین در ۱۵ مه ۱۹۴۸ به پایان رسید در واقع تمامی نهادهای سیاسی فلسطینی از بین رفته بود و هیچ سازمانی برای پر کردن خلاء موجود، وجود نداشت. صهیونیست‌ها که بر نواحی کشور یهود در قطعنامه تقسیم مسلط بودند، یک شورای موقت حکومتی مرکب از ۳۸ عضو تأسیس کردند که به نوبه خود یک کابینه ۱۳ نفره را انتخاب کرد. همان روز «دیوید بن گوریون» که بعداً مقام نخست وزیری و وزارت دفاع را به عهده گرفت، تشکیل دولت را اعلام کرد. بلافاصله بعد از این اعلام، دولت‌های ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی، اسرائیل را به رسمیت شناختند. (میرطاهر، ۱۳۸۱: ۸۹)

### سیاست خارجی رژیم صهیونیستی اسرائیل در منطقه

به دلیل آن‌که اعلام تأسیس رژیم اسرائیل در سرزمین فلسطین فاقد مبانی حقوقی، مشروعیت جمعیتی، تاریخی و جغرافیایی بود از این رو بنیان‌گذاران و رهبران آن از بدو تأسیس موجودیت این رژیم را در منطقه در حال تهدید تعریف کرده‌اند. (یاسری، ۱۳۸۸: ۱۰۹) و در این راستا سیاست خارجی رژیم

صهیونیستی اهدافی را دنبال می‌کند که مهم‌ترین این اهداف عبارتند از:

۱. رسیدن به مشروعیت بین‌المللی و دفاع و حفظ آن
۲. صحنه‌گذار شدن بر اقدامات تجاوزکارانه و توسعه‌طلبانه تحت پوشش تضمین امنیت برای اسرائیل.
۳. خارج شدن از محاصره اقتصادی اعراب و دستیابی به کمک‌های اقتصادی، امتیازات و معافیت‌های گمرکی بازار مشترک اروپا، روابط آزاد تجاری با آمریکا و بازاریابی در کشورهای آفریقایی و آسیایی.
۴. ارتباط با یهودیان جهان و استفاده از آن‌ها در جهت منافع و اهداف اسرائیل و صهیونیسم.

۵. تجارت اسلحه: رژیم صهیونیستی از ابتدا از کشورهای مختلف سلاح دریافت نمود و دستیابی به سلاح سنگین از موارد مهم سیاست خارجی این رژیم قرار گرفت. (صفا تاج، ۱۳۸۹)

قرار گرفتن یک کشور در میان کشورهای متخاصم امکان ایجاد روابط عادی بین کشورهای متخاصم و کشور محصورشده را امکان‌پذیر نمی‌سازد. به ناچار کشوری که در محاصره است، تلاش و کوشش زیادی برای برقراری رابطه با کشورهای خارج از منطقه می‌کند تا نیازهای خود را برطرف کند. (ساجدی، ۱۳۹۱: ۶۱)

در اواسط ۱۹۵۰ کشور نوپا و آسیب‌پذیر اسرائیل با چالش‌های امنیتی گسترده‌ای مواجه بوده است. اسرائیل به تهدیدات ناشی از کشورهای عرب با «دکترین پیرامونی» پاسخ داد و روابط استراتژیک‌اش را با ایران، ترکیه، دیگر کشورهای غیرعرب، کشورهای غیرمسلمان یا کشورهای عرب که از نظر جغرافیایی دور هستند پی‌ریزی کرد. (Alpher, ۲۰۱۳: ۲)

دولت غاصب اسرائیل در سیاست و روابط خارجی خود به ویژه نسبت به فلسطین اشغالی بسیاری از موارد و اصول لازم‌الرعايه بين المللی را نقض کرد که در ادامه به برخی از این اصول اشاره می‌کنیم.

### اصول لازم‌الرعايه در حقوق بين الملل

در حقوق بين الملل، قواعد بنياديني وجود دارند که از آن‌ها به «قواعد آمره» تعبیر می‌کنند. این قواعد، در سلسله مراتب حقوق بين الملل، در رأس قرار گرفته و هر قاعده ديگري که مغاير با آن‌ها باشد، بی اعتبار محسوب می‌شود و هر دولتی که بر خلاف این قواعد عمل کند، دارای مسئولیت بين المللی خواهد بود. از جمله اصولی که به عنوان قاعده آمره، مورد پذیرش جامعه بين المللی قرار گرفته عبارتند از: اصل عدم توسل به زور و ممنوعیت تجاوز، اصل حق ملت‌ها در تعیین سرنوشت خود و اصل رعایت حقوق بين الملل بشر دوستانه. زیر پا گذاشتن قواعد آمره و اصول شناخته شده بين المللی، نقض فاحش حقوق بين الملل محسوب شده و مسئولیت بين المللی و بعضاً مسئولیت کيفري فردی را به همراه خواهد داشت.

حمایت و رفتار انسانی با مردم منطقه اشغالی، از اصول اساسی حقوق بين الملل در وضعیت اشغال خصمانه یک سرزمین است. فهرستی طولانی از تضمین‌های حقوق مردم، در کنوانسیون چهارم ژنو و پروتکل اول درج شده است. از آن جمله است، احترام به شرف، حقوق خانوادگی، مراسم مذهبی، اموال خصوصی و آداب و رسوم سنتی. گروگان‌گیری، تنبیه دسته جمعی، تبعیض بر اساس زمینه‌های نژادی، مذهبی، سیاسی، انتقال یا اخراج مردم، در اختیار گرفتن کنترل مواد غذایی و دارویی، به نحوی که در جهت خلاف احتیاجات عادی مردم باشد، ممنوع شده است. انتقال اتباع غیرنظامی قدرت اشغالگر به مناطق اشغالی نیز غیرقانونی است.



مطابق مقررات حقوق بین‌الملل بشر دوستانه، در صورت وقوع مخاصمه مسلحانه، اعم از بین‌المللی و داخلی، طرفین مخاصمه در انتخاب روش‌ها و ابزار مورد استفاده در جنگ نامحدود نیستند بلکه، روش‌های جنگی که صدمات بی‌مورد وارد ساخته و موجبات آلام غیرضروری را فراهم آورد، ممنوع است؛ هرچند از سلاح‌های مجاز استفاده شود. بر این اساس، طرف‌های درگیر نمی‌توانند از هر روشی برای جنگ استفاده نمایند و باید تا آن‌جا از زور استفاده شود که برای غلبه بر طرف مقابل لازم است. حمله و بمباران اماکن بدون حفاظ یا بدون دفاع، حمله به بیمارستان‌ها، کلیساها، مساجد و اماکن مذهبی مشابه، ممنوع است. همچنین، استفاده از اسلحه و ادوات جنگی، که باعث صدمات بی‌مورد و آلام غیرضروری می‌شود، ممنوع است. بر این اساس، آن مقدار از زور باید بکار گرفته شود که برای غلبه بر دشمن ضرورت دارد. عمده مقررات مربوط به سلاح‌های ممنوعه، در پروتکل اول سال ۱۹۷۷ آمده است؛ ولی استفاده از نوع سلاح ممنوعه، به عهده دولت‌های تولیدکننده و استفاده‌کننده گذاشته شده و آنان باید توجه نمایند که استفاده از چنین سلاح‌هایی، با اصول حقوق بین‌الملل بشر دوستانه، مغایرت نداشته باشد. (بوسچک و رابرت بلدسو، ۱۳۷۵: ۵۸۱)

تجاوز و حمله رژیم اسرائیل به مردم غزه، بدون تردید نقض فاحش قواعد آمره حقوق بین‌الملل و در زمره جنایات بین‌المللی است. طبق موازین و مقررات حقوق بین‌الملل، از جمله قواعد عرفی، کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل‌های الحاقی به کنوانسیون‌های مزبور و همچنین، قواعد حقوق بشر دوستانه بین‌المللی، رژیم صهیونیستی مرتکب نقض فاحش و جدی مقررات مذکور شده است. بر اساس قواعد حقوق عرفی و عهدنامه‌ای بین‌المللی، مرتکبین و ناقضین این مقررات می‌باید به علت ارتکاب جنایات جنگی، جنایت

علیه بشریت و نسل‌کشی، بازداشت، محاکمه و مجازات شوند. با توجه به حملات گسترده و سازمان یافته رژیم صهیونیستی به غزه که موجب کشتار جمعیت غیرنظامی گردید و همچنین، نوع جنگ افزارهای به کار گرفته شده در این نبرد نابرابر، از جمله سلاح‌های ممنوعه، بمب‌های خوشه‌ای و فسفری، کسانی که این جنایات را در غزه مرتکب شده، یا دستور آن را صادر کرده‌اند، باید از سوی جامعه جهانی، به ویژه مراجع قضایی بین‌المللی، تحت تعقیب، بازداشت و محاکمه قرار گیرند و مجازات شوند.

رژیم صهیونیستی طی جنگ ۲۲ روزه مجموعه متنوعی از نقض قواعد بنیادین بین‌المللی از جمله موازین حقوق بشر و حقوق بشردوستانه را در سطحی بسیار گسترده مرتکب شد به طوری که می‌توان تقریباً تمامی نمونه‌های زیر پا گذاشتن قواعد آمره و اصول شناخته شده بین‌المللی را را یک جا مورد مشاهده و بررسی قرار داد. نقض ممنوعیت مجازات دسته جمعی، بی‌توجهی قدرت اشغالگر به تعهداتش طبق حقوق بین‌الملل و عدم رعایت حقوق بشردوستانه در کنار عدم رعایت اصل مسئولیت‌گیری فردی، مواردی است که زمینه تحقق مسئولیت بین‌المللی رژیم صهیونیستی را تشدید می‌کند. برخی از اصول لازم‌الرعايه در مخاصمات و برخی از موارد نقض حقوق بین‌الملل بشر دوستانه در جنگ غزه، برطبق اسناد و مدارک موجود و گزارش‌های ارائه شده از سوی برخی نهادهای بین‌المللی، مورد بررسی قرار می‌دهیم.

#### الف. اصل عدم توسل به زور

یکی از اصول اساسی حقوق بین‌الملل معاصر، تحریم جنگ و منع توسل به زور است. امروزه جنگ و توسل به زور عامل مخرب روابط بین‌الملل و در نتیجه ناقض مقررات حقوق بین‌الملل شناخته شده است. قبل از جامعه

ملل، جنگ به قبل از جامعه ملل، جنگ به عنوان یک آئین مشروع در حقوق بین‌الملل محسوب می‌شد. (Verma, 1998: 365-403)

اما از زمان میثاق جامعه ملل و به دنبال آن معاهدات لوکارنو مخصوصاً میثاق بریان - کلوگ حقوق موضوعه به ممنوعیت توسل به زور و تحریم جنگ متمایل شد. در میثاق جامعه ملل، به دلیل حساسیت کشورها که همواره نسبت به استقلال خود دلبسته بودند، مقرر ساختن محکومیت مطلق جنگ امکان‌پذیر نشد، بلکه فقط غیرقانونی آن در برخی حالات مشخص اعلام شد، به عبارت دیگر، میثاق جامعه ملل تنها محکومیت نسبی جنگ را مقرر کرده بود و این نسبت از مقدمه آن آشکار می‌شد: «پذیرفتن برخی تعهدات مبنی بر عدم توسل به جنگ.» (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۰: ۱۳)

طبق معاهدات لوکارنو که در ۱۰ اکتبر سال ۱۹۲۵ در شهر لوکارنو میان آلمان، بلژیک، انگلستان، فرانسه، ایتالیا، لهستان و چکسلواکی پاراف و اول دسامبر همان سال در لندن امضاء و از اول سپتامبر سال ۱۹۲۶ به مرحله اجرا در آمد طرفین متعهد شدند که سیاست متقابل عدم تجاوز را در پیش گیرند و وضعیت موجود سرزمینی را در اروپای غربی حفظ و تضمین کنند و آئین داوری را جهت حل و فصل اختلافات بین خود برگزینند. طبق میثاق بریان - کلوگ که در ۲۷ اوت ۱۹۲۸ توسط ۱۵ کشور امضاء و در ۲۴ ژوئیه ۱۹۲۹ لازم‌الاجرا شد و در سال ۱۹۳۹ تعداد اعضای آن به ۶۳ کشور رسید ممنوعیت تام و تمام عیار جنگ اعلام گردید. به موجب این میثاق کشورهای عضو رسماً اعلام نمودند که توسل به جنگ جهت حل اختلافات بین‌المللی محکوم است و آن را به عنوان ابزار سیاست ملی در روابط متقابل خود رد می‌کنند و نیز تصریح نمودند که ممنوعیت مقرر در میثاق یک ممنوعیت مطلق است، در نتیجه هرگونه عمل قاهرانه‌ای که حتی در خدمت حقوق باشد، ممنوع است و منجر به محکومیت رسمی و قانونی آغازگر آن می‌شود.

میثاق بریان - کلوگ هر چند اعتبار خود را از دست نداده، ولی با تأسیس سازمان ملل عملاً جای خود را به منشور این سازمان داد. منشور ملل متحد در مقدمه خود، هدف اولیه وضع و تدوین منشور را تصمیم ملل متحد به محفوظ نگه داشتن نسل‌های آینده از بلایای جنگ قلمداد کرده است و برای نیل به این هدف اعلام می‌دارد که: «ما مردم ملل متحد با تصمیم به گذشت و مدارا کردن و زیستن در حال صلح و امنیت بین‌المللی، قبول اصل ایجاد روش‌هایی که عدم به کار بردن نیروی اسلحه را جز در راه منافع مشترک تضمین کند، مصمم شده‌ایم که برای تحقق این هدف و سایر اهداف مندرج در مقدمه منشور اشتراک مساعی کنیم.»

منشور ملل متحد، ممنوعیت کلی هرگونه توسل به زور را مد نظر دارد و اعضای سازمان ملل متحد را ملزم می‌سازد که در روابط بین‌المللی میان خود از توسل به جنگ، تهدید به جنگ، اقدامات مقابله به مثل، محاصره دریایی و یا هر شکل دیگر استفاده از تسلیحات یا اعمال قدرت چه علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشور و چه هرگونه رفتار دیگر که با اهداف ملل متحد مغایر باشد خودداری کنند. بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد ممنوعیت تهدید یا استفاده از زور در روابط بین‌الملل، یک قاعده شناخته شده حقوق بین‌الملل است که برای همه دولت‌ها، خواه عضو ملل متحد باشند یا نه، لازم‌الاتباع است. (راهنمای سازمان ملل متحد، ۱۳۵۴: ۱۱۹)

این قاعده را در اعلامیه «اصول حقوق بین‌الملل درباره روابط دوستانه و همکاری بین دولت‌ها مطابق با منشور ملل متحد» ۱۹۷۰ مجمع عمومی سازمان ملل متحد می‌توان به وضوح مشاهده کرد.

اعلامیه مزبور، به انواع معینی از تهدید یا توسل به زور اشاره می‌کند که از جمله عبارتند از جنگ‌های تجاوزکارانه، تبلیغ برای جنگ‌های تجاوزکارانه، تهدید یا توسل به زور برای نقض مرزهای بین‌المللی یا خطوط تعیین حدود بین‌المللی و تصرف قلمرو خارجی با تهدید یا استفاده از زور. بر این اساس، ممنوعیت کاربرد توسل به زور مطابق منشور، نه تنها جنگ، بلکه «تهدید به استفاده از زور» را نیز در بر می‌گیرد. مشهورترین نوع صریح تهدید، دادن ضرب‌الاجل یا اتمام حجت است که به موجب آن، اعلامیه‌ای رسمی خطاب به دولت دیگر صادر شده و از آن دولت خواسته می‌شود که در عرض مدت معینی، تقاضای مطروحه را بپذیرد؛ در غیر این صورت، آماده شروع جنگ یا اقدام قهری مسلحانه باشد. (بوسچک و رابرت بلدسو، ۱۳۷۵: ۴۸۰)

علاوه بر موارد فوق، اصل تحریم جنگ، در اعلامیه‌ها و قطعنامه‌های متعددی مورد تأکید قرار گرفته است از آن جمله:

۱ - اعلامیه غیر قانونی بودن مداخله در امور داخلی دولت‌ها ۱۹۶۵

۲ - قطعنامه تعریف تجاوز ۱۹۷۴

۳ - اعلامیه افزایش کارایی تحریم استفاده از زور ۱۹۸۷

در پایان لازم به یادآوری است که توسل به زور در مقام دفاع مشروع از سوی کشوری که مورد تجاوز قرار گرفته و در مقام حفظ صلح و امنیت بین‌المللی از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد مجاز شمرده شده است. نهضت‌های آزادی‌بخش، از جمله نهضت آزادی‌بخش فلسطین، که از سوی کشورها و سازمان‌های بین‌المللی مورد شناسایی قرار گرفته‌اند و در سازمان ملل نیز دارای نماینده هستند، جزء تابعان غیرفعال حقوق بین‌المللی محسوب می‌شوند. همچنین حقوق بین‌الملل بر مبارزات مسلحانه نهضت‌های آزادی‌بخش که برای

تعیین سرنوشت خود تلاش می‌کنند، جاری و حاکم است. اگرچه توسل به زور در حقوق بین‌الملل ممنوع است، ولی یکی از موارد استثنای بکارگیری زور در حقوق بین‌الملل، استفاده از زور توسط نهضت‌های آزادی‌بخش است.

(موسی‌زاده، ۱۳۷۸: ۱۰۶-۱۰۴)

### ب. اصل حق ملت‌ها در تعیین سرنوشت خود

حقوق بین‌الملل حق ملت‌ها در تعیین سرنوشت خود را مورد توجه قرار داده است. این اصل در بند ۲ ماده ۱ منشور ملل متحد با این مضمون که یکی از اهداف سازمان «توسعه روابط دوستانه بین ملت‌ها بر اساس احترام به اصل برابری ملت‌ها و حق آن‌ها در تعیین سرنوشت خود...» است، گنجانده شده است و در ماده ۵۵ منشور نیز مورد تأکید قرار گرفته است. در تعریف «حق ملت‌ها در تعیین سرنوشت خود» آمده است: «همه ملت‌ها حق تعیین سرنوشت خویش را دارند و با استفاده از این حق، می‌توانند وضعیت سیاسی خود را آزادانه تعیین کرده و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را آزادانه پیگیری کنند.» این تعریف در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶ تکرار شده است، اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل مورخ ۱۹۷۰ مجمع عمومی نیز به این حق تأکید کرده است.

اصل تعیین سرنوشت یک حق پذیرفته شده بین‌المللی است و ملت‌ها می‌توانند با تمسک به آن، سرنوشت خود را تعیین کنند، البته با توجه به رویه دولت‌ها و نظریه حقوق‌دانان، حق ملت‌ها در تعیین سرنوشت خود را مترادف با حق حکومت بر خود در نظر می‌گیرند و این حق شامل سه گروه از ملت‌ها می‌شود: ملت‌های تحت سلطه استعماری، ملت‌های تحت سلطه بیگانه

و ملت‌های تحت سلطه یک رژیم نژادپرست. معنای دیگر حق تعیین سرنوشت مربوط به حق ملت‌ها برای استفاده و بهره‌برداری آزادانه از منابع ثروت‌های طبیعی‌شان است که اعلامیه راجع به حاکمیت دایمی بر منابع طبیعی مصوب سال ۱۹۶۲ مجمع عمومی سازمان ملل متحد با شناسایی حق مذکور یک رشته مقررات مربوط به بهره‌برداری از آن‌ها و اعمال نظارت بر سرمایه‌گذاری خارجی را وضع می‌کند. (موسی‌زاده، ۱۳۷۸: ۱۰۵)

### ج. اصول بنیادین حقوق بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه

هر انسانی فارغ از جنس، رنگ، نژاد، مذهب دارای حیثیت انسانی برابر با دیگر انسان‌ها است. برخورداری از حیثیت و کرامت انسانی برابر، از اصول بنیادین حقوق بشر است که در هیچ شرایطی تخصیص نمی‌پذیرد. اصول بنیادین حقوق بشر در اسناد بین‌المللی حقوق بشر مورد تأکید قرار گرفته است. در مقدمه منشور ملل متحد به حقوق اساسی بشر تأکید شده است. به علاوه، برخی از مواد منشور، از جمله مواد ۱، ۱۳، ۵۷، ۶۲، ۶۸ و ۷۶ بر این امر تأکید دارند که سازمان ملل متحد احترام جهانی به حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین را برای همه بدون تبعیض از حیث نژاد، جنسیت، زبان یا مذهب توسعه خواهد داد و تشویق و تسهیل خواهد نمود. این مقررات هر چند به دلیل خصوصیت معاهده‌ای که دارند، از نظر حقوق الزام آورند، اما فقط اعلام‌کننده اصول عامی هستند که همواره بایست با عبارات ملموس و مستقیماً قابل اجرا بیان گردند. (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۱: ۲۴۳)

اعلامیه جهانی حقوق بشر که در تاریخ ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ در یک مقدمه، ۳۰ ماده و سه قطعنامه توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسیده است، اصول بنیادین حقوق بشر را در خصوص حقوق مدنی و سیاسی و

حقوق اقتصادی و اجتماعی، برای کلیه انسان‌ها به رسمیت شناخته است. در این اعلامیه کرامت شخص انسان نه فقط خود یک حق بنیادین شناخته شده است، بلکه مبنای واقعی حقوق بنیادی را تشکیل می‌دهد. امروزه مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر به قواعد عرفی عام‌الشمول تبدیل شده و حتی برای کشورهای که اسناد و معاهدات بین‌المللی مربوطه را نپذیرفته‌اند، الزام‌آور است و حتی برخی از این قواعد به جایگاه قواعد آمره ترفیع یافته‌اند. (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۱: ۲۴۶)

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۶۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را تصویب کرد که این دو میثاق اسناد الزام‌آور اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌باشد و در این دو میثاق اصول بنیادین حقوق بشر تبیین و مورد تعهد کشورهای عضو قرار گرفته است. حق حیات، حق آزادی و امنیت شخصی، ممنوعیت تبعیض نژادی از جمله اصول بنیادین حقوق بشر می‌باشند که هر انسانی به صرف انسان بودن حق بهره‌مندی از این حقوق را دارند.

علاوه بر اسناد فوق، معاهدات متعدد دیگری در زمینه حقوق بشر و حقوق بین‌الملل بشر دوستانه در سطح عام و جهانی از سوی سازمان ملل متحد و یا زیر نظر آن سازمان تصویب شده‌اند که به اهم آن‌ها ذیلاً اشاره می‌شود:

- عهدنامه مربوط به پیشگیری و مجازات جنایت کشتار عام و جمعی (ژنوسید) ۱۹۴۸.
- عهدنامه‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و پرتکل‌های الحاقی شماره ۱ و ۲ سال ۱۹۷۷.
- عهدنامه مربوط به الغای کلیه اشکال تبعیض نژادی ۱۹۶۶.
- عهدنامه مربوط به امحا و مجازات جنایت آپارتاید ۱۹۷۳.
- عهدنامه منع شکنجه و دیگر مجازات‌ها یا رفتارهای وحشیانه، غیرانسانی یا تحقیرکننده ۱۹۸۵.



## نقض حقوق بشر توسط اسرائیل

به طور کلی بین تمامی جنایات رژیم صهیونیستی، مشهورترین جنایات این رژیم از حیث ابعاد فاجعه عبارت است از:

۱. **انهدام هتل ملک داوود:** هتل ملک داوود در قدس که در ژوئیه ۱۹۴۶ به دست گروه‌های تروریستی صهیونیستی هاگاناه، ایرگون و شتیرن با ۳۵۰ کیلوگرم مواد منفجره، منفجر و به طور کلی ویران شد.

۲. **جنایت دیر یاسین:** دیر یاسین نام‌دهی کوچک نزدیک قدس می‌باشد. تعداد ساکنان این ده در سال ۱۹۴۸ نزدیک به ۷۰۰ نفر بودند. در ۱۰/۴/۱۹۴۸ این ده شاهد هجوم ۳ گروه مسلح به نام ارگون به سرکردگی مناحیم بگین، گروه شتیرن به سرکردگی اسحق شامیر و گروه هاگانا به سرکردگی دیوید بن گوریون بود. در این یورش که با مقاومت ساکنان ده همراه بود ۲۵۰ نفر که بیشتر آن‌ها را زنان، کودکان و سالمندان تشکیل می‌داد کشته شدند. همچنین در این حمله فجایع دیگری از جمله تجاوز جنسی، مثله کردن، پاره کردن شکم زنان باردار و منفجر کردن منازل نیز رخ داد.

۳. **جنایات اللد و الرمله ژوئن ۱۳۴۸:** شبه نظامیان صهیونیست با حمله به این دو روستا جز ۲۵ خانواده فلسطینی دیگر هیچ فلسطینی را زنده نگذاشتند. ۱۷۶ فلسطینی در این جنایت به شهادت رسیدند.

۴. **جنایت الطنطوره:** این روستا در جنوب شهر اشغالی حیفا واقع است و در ۲۳ می ۱۹۴۸ شاهد بزرگترین جنایت صهیونیست‌ها علیه اهالی روستا بود. وقایع فاجعه بار این روستا از سال ۱۹۴۸ تا سال ۲۰۰۰ میلادی سری باقی ماند تا این که یک اسرائیلی به نام تدکاتس در پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشدش با استفاده از آرشیو ارتش صهیونیستی فاش کرد که در این روستا ۲۰۰ فلسطینی قتل عام شدند.

۵. جنایت الدوایمه: این روستا در استان الخلیل واقع است و در اکتبر سال ۱۹۴۸ شاهد هجوم وحشیانه شبه نظامیان صهیونیست بود که در پی آن ۵۰۰ نفر به قتل رسیدند که از این بین ۲۰۰ نفر متعلق به روستاهای دیگری بودند که در این روستا پناه گرفته بودند..

۶. جنایت قبیله: روستای قبیله در ۲۲ کیلومتری شمال شرقی قدس و ۴۴ کیلومتری غرب رام‌الله واقع است و ۱۴ اکتبر سال ۱۹۵۳ مورد حمله و اشغال نظامیان صهیونیست درآمد. این اقدام به رهبری آریل شارون انجام گرفت که طی آن ۶۹ زن و مرد و کودک فلسطینی به قتل رسیدند.

۷. کشتار حولا: بامداد ۱۹۴۸/۱۰/۳۱ نیروهای اسرائیلی به سرکردگی مناخیم بگین به حولا شهر کوچکی در لبنان حمله بردند. در این حمله نیروهای اسرائیلی مردان شهر را اعدام نمودند و منازل مسکونی را منهدم کردند. همچنین ده‌ها نفر از کشته شده‌ها را در گورهای دسته جمعی دفن کردند. این فاجعه باعث مهاجرت اکثر اهالی این منطقه به بیروت شد. در این کشتار ۹۰ لبنانی کشته شدند.

۸. جنایت کفر قاسم: در روز ۱۹۵۶/۱۰/۲۹ کفر قاسم دهی نزدیک شهر قلقیلیه در فلسطین هدف حمله نیروهای صهیونیستی قرار گرفت. در این حمله که در ساعت ۵ عصر و هنگام بازگشت اهالی ده از مزارع صورت گرفت ۴۹ نفر کشته شدند. این کشتار با شعار «بدون عاطفه باش تا خدا رحمت کند» به وقوع پیوست.

۹. کشتار حانین: نیروهای اسرائیلی در ۲۶ نوامبر سال ۱۹۶۷ بعد از حدود ۳ ماه از محاصره روستای حانین در لبنان وارد این روستا شدند و اقدام به قتل ساکنان

با تبر کردند. همچنین منازل را آتش زده و آن‌ها را با خاک یکسان کردند. کشتار یارین در این کشتار که در سال ۱۹۷۴ به وقوع پیوست نیروهای اسرائیلی پس از ورود به شهر کوچک یارین در لبنان ۱۷ منزل را ویران و ۹ نفر را به قتل رساندند.

۱۰. **کشتار عیترون:** عیترون نام شهری کوچک در جنوب لبنان است. این شهر در سال ۱۹۷۵ بر اثر انفجار یک بمب کار گذاشته شده توسط نیروهای اسرائیلی شاهد کشته شدن ۹ کودک بود.

۱۱. **کشتار بنت جبیل:** در سال ۱۹۷۶ نیروهای اسرائیلی پنجشنبه بازار شهر کوچک بنت جبیل در لبنان را بمباران کردند. این بمباران منجر به کشته شدن ۲۳ و زخمی شدن ۳۰ نفر شد.

۱۲. **کشتار اوزاعی:** در سال ۱۹۷۸ نیروهای هوایی اسرائیل واحدهای مسکونی و موسسات تجاری منطقه اوزاعی در نزدیکی بیروت را هدف قرار دادند. در این حادثه ۲۶ نفر کشته و ۳۰ واحد مسکونی کاملاً ویران شد.

۱۳. **کشتار راشیا:** در سال ۱۹۷۸ توپخانه اسرائیل ۱۵ لبنانی را که به سمت کلیسای شهر کوچک راشیا روانه بودند به قتل رساند.

۱۴. **کشتار کونین:** نیروهای اسرائیلی در سال ۱۹۷۸ ده کونین در لبنان را مورد هدف قرار داد. در این حمله ۲۹ نفر که اکثراً کودک بودند، کشته شدند.

۱۵. **کشتار عدلون:** در سال ۱۹۷۸ کماندوهای اسرائیلی مستقر در ساحل عدلون در لبنان ۲۰ نفر از افرادی را که در ۲ ماشین در حال حرکت بودند هدف قرار داده و به قتل رساندند.

۱۶. **کشتار عباسیه:** در سال ۱۹۷۸ نیروی هوایی اسرائیل مسجدی را در شهر کوچک عباسیه در لبنان که تعدادی از خانواده‌ها در آن‌جا پناه گرفته بودند را

هدف قرار داد. در این بمباران هوایی ۱۱۲ نفر که بیشتر آن‌ها زن و کودک بودند کشته شدند.

۱۷. جنایت خان یونس: خان یونس در نوار غزه واقع است. این روستا در دو نوبت به فاصله نه روز هدف حملات اشغالگران صهیونیست قرار گرفت؛ یکی در ۳ نوامبر ۱۹۵۶ که ۵۰۰ فلسطینی به قتل رسید و دیگری ۱۲ نوامبر که ۲۷۰ فلسطینی به شهادت رسیدند.

۱۸. جنایت صبرا و شاتیلا: در سال ۱۹۸۲ نیروهای اسرائیلی با همکاری برخی از نیروهای نظامی لبنانی دست نشانده با نقشه وزیر جنگ آن زمان آریل شارون به اردوگاه‌های صبرا و شتیلا در نزدیکی بیروت که برخی از پناهندگان فلسطینی را در خود جای داده بودند حمله کردند و حدود ۸۰۰ نفر فلسطینی به اضافه تعدادی لبنانی را به قتل رساندند.

۱۹. جنایت اردوگاه البرج الشمالي: این اردوگاه در لبنان واقع است. هواپیماهای صهیونیستی در هفتم ژوئن سال ۱۹۸۲ با حمله به این اردوگاه با استفاده از بمب‌های فسفوری ۹۴ فلسطینی را در این اردوگاه به خاک و خون کشیدند.

۲۰. جنایت عیون قاره: صبح روز بیستم ماه می ۱۹۹۰ یک نظامی صهیونیستی به روی کاروان کارگران فلسطینی در منطقه صهیونیست‌نشین لیتسیون (عیون قاره) آتش گشود که در نتیجه آن هشت کارگر فلسطینی شهید و ۱۶ نفر دیگر زخمی شدند.

۲۱. جنایت کشتار نمازگزاران الاقصی: بر اثر درگیری نمازگزاران فلسطینی با گروه یهودی متعصب امنای کوه هیکل در تاریخ ۸/۱۰/۱۹۹۰، سربازان اسرائیلی وارد ماجرا شدند و نمازگزاران را به گلوله بستند. در نتیجه این گلوله‌باران ۲۱ نفر کشته، ۱۵۰ نفر مجروح و ۲۷۰ نفر بازداشت شدند.

۲۲. کشتار قانا در سال ۲۰۰۶: در ۳۰ ژوئیه ۲۰۰۶ در جریان جنگ ۳۳ روزه اسرائیل و لبنان (۲۰۰۶) روستای قانا مورد حمله و بمباران نظامیان رژیم اشغالگر قدس قرار گرفت. برخورد دو بمب به یک ساختمان مسکونی چهارطبقه در مرکز روستای قانا به کشته شدن ۵۴ شهروند غیرنظامی از جمله بیش از ۳۷ کودک و زخمی شدن بسیاری انجامید. خاخام‌های صهیونیست همچنین در جنگ موسوم به ۲۲ روزه غزه نیز حکمی درباره کشتار غیرنظامیان لبنانی و فلسطینی در غزه صادر کرده و مدعی شدند بنا به احکام تورات، کشتار زنان و کودکان در زمان جنگ مباح است.

۲۳. جنایت در حرم ابراهیمی در الخلیل کشتار حرم ابراهیمی: باروخ گلدشتاین و گروهی از شهرک‌نشینان شهرک صهیونیست‌نشین کریات اربع ۱۹۹۴/۲/۲۵ م، هنگام نماز صبح وارد مسجدالاقصی می‌شوند. گلدشتاین، پشت یکی از ستون‌های مسجد می‌ایستد و منتظر می‌شود تا نمازگزاران سجده کنند. پس از آن به سوی ایشان تیراندازی می‌کند. گلوله‌ها و ترکش‌های نارنجک، باعث زخمی شدن بیش از ۳۵۰ نفر می‌شود. نظامیان ارتش اسرائیل، هنگام این کشتار، درهای مسجد را می‌بندند و از فرار نمازگزاران جلوگیری می‌کنند.

۲۴. انتفاضه الاقصی: در تاریخ ۲۰۰۰/۹/۲۸ آپریل شارون اقدام به بازدید از مسجدالاقصی کرد. این بازدید به علت اعتراض جوانان فلسطینی کامل نشد. روز بعد از این حادثه که مصادف با روز جمعه بود نیروهای اسرائیلی اقدام به گشودن آتش روی نمازگزاران کردند که بر اثر آن ۷ نفر کشته و ۲۵ نفر زخمی شدند. این درگیری منجر به انتفاضه دوم مردم فلسطین شد.

۲۵. جنایت اردوگاه جنین: ارتش خونریز اسرائیل در ۲۹ مارس ۲۰۰۲ م حمله گسترده‌ای را به اردوگاه جنین واقع در کرانه باختری آغاز کرد. پس از دو هفته محاصره اردوگاه جنین و شروع جنگ شدید بین نیروهای مقاومت فلسطین و اسرائیل، نیروهای اشغالگر به ریاست شائول موفاز با تانک‌های خود وارد آنجا می‌شوند. آنان با تهاجم گسترده به این اردوگاه پس از اتمام مهمات نیروهای مقاومت، آنجا را تسخیر می‌کنند. تعداد شهدای این واقعه، حدود ۲۰۰ نفر است. هنوز تعداد شهدای دفن شده در گورهای جمعی، مشخص نیست.

۲۶. جنایت در غزه (۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰): رژیم صهیونیستی پس از پیروزی حماس در انتخابات پارلمان فلسطین در ژانویه سال ۲۰۰۶ در اقدامی نژادپرستانه با هدف تنبیه مردم فلسطین خصوصاً مردم نوار غزه که بیشترین آرای حماس از این منطقه بود، اقدام به محاصره کامل زمینی و هوایی این منطقه کرد. در پی این محاصره کشنده اسرائیلی‌ها حتی از خروج بیماران فلسطینی برای مداوا به خارج جلوگیری کردند که طی آن تا اواسط سال ۲۰۱۰ نزدیک به ۳۸۰ فلسطینی جان خود را از دست دادند. در خلال این سال‌ها خصوص در اواخر سال ۲۰۰۸ تا اواسط ژانویه سال ۲۰۱۰ اسرائیل جنگی خانمان‌سوز را علیه غزه راه انداخت که به تجاوز ۲۲ روزه شهرت یافت. در این جنگ ۱۴۵۰ شهروند فلسطینی به شهادت رسیدند و ساختار زیربنایی نوار غزه آسیب جدی دید. قاضی گلدستون که بعدها از سوی سازمان ملل مامور شد که این جنایات را بررسی کند، ثابت نمود که اسرائیل مرتکب جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت در این جنگ شده است.

۲۷. جنایت علیه ناوگان بین‌المللی امداد رسان به غزه: در ۳۱ می سال ۲۰۱۰ در برابر چشمان افکار عمومی جهان نیروی دریایی ارتش صهیونیستی در

اقدامی که دزدی دریایی لقب گرفت در آب‌های بین‌المللی به کشتی بین‌المللی حامل کمک‌های انسان‌دوستانه به نوار غزه حمله کرد و نه شهروند ترکیه را به قتل رساند و ده‌ها نفر را زخمی کرد. تمامی ۷۵۰ سرنشین این کشتی‌ها بازداشت و به بندر اشدود منتقل شدند. (قدسنا، ۱۳۹۴)

علی‌رغم موارد گفته شده، اسرائیل با جنگ اخیر (۲۰۱۴) در نوار غزه با بمباران منازل مسکونی و کشتن ۲ هزار و ۱۷۴ انسان که ۸۴ درصد از آن‌ها غیرنظامی بودند و زخمی کردن ۱۰ هزار نفر همه قوانین و موازین بین‌المللی را نقض کرد. حملات به منازل مسکونی موجب شده است که بسیاری از قربانیان این جنگ از کودکان و زنان باشند. (شیعه‌نیوز، ۱۳۹۴)

به طور کلی جنایات و کشتارهایی که رژیم صهیونیستی امروزه انجام می‌دهد چیز تازه‌ای نیست، ولی سکوت جهانیان باعث تأسف است. از سال ۱۹۴۸ حدود دوسوم ملت فلسطین از سرزمین خود آواره شده‌اند و تاکنون ۵۲ شهر از ۵۵۳ روستا و شهر فلسطین منهدم شده است. رژیم صهیونیستی صدها کشتار و قتل دسته جمعی را مرتکب و یک نسل‌کشی انجام داده است. آن‌ها که از رژیم صهیونیستی حمایت می‌کنند در جنایات این رژیم شریک هستند به ویژه آمریکا که یک بار ۳۹۰ میلیون دلار و بار دیگر ۲۰۵ میلیون دلار برای گنبد آهنین به اسرائیل داد و انبار تسلیحات خود را برای صهیونیست‌ها باز کرد. (مهر، ۱۳۹۴)

### جنایات واقع شده در غزه توسط اسرائیل

در ابتدا بایستی یادآور شد که نوار غزه منطقه‌ای تحت اشغال رژیم صهیونیستی اسرائیل می‌باشد. کرانه باختری رود اردن و نوار غزه پس از جنگ شش روزه ۱۹۶۷ به اشغال نظامی اسرائیل درآمده و طبیعتاً از زمان شروع جنگ تا پایان اشغال نظامی می‌بایست حقوق بین‌الملل بشردوستانه در این مناطق اعمال شود. اما دولت اسرائیل همواره این مناطق را جزء لاینفک سرزمین اسرائیل تلقی می‌کند و افراتیون اسرائیلی تحت هیچ عنوانی نمی‌خواهند این واقعیت را بپذیرند که این سرزمین‌ها، سرزمین اشغالی هستند که تابع یک سلسله قواعد و مقرراتی بر اساس حقوق بشردوستانه‌اند. اسرائیل بر این باور است که کنوانسیون شماره چهار ژنو طبق ماده ۲ آن، در صورت وقوع درگیری مسلحانه بین دو یا چند دولت متعاقد و اشغال یا تصرف

بخشی از خاک یک دولت توسط دیگر دولت متخاصم اجرا خواهد شد؛ در حالی که کرانه غربی رود اردن و نوار غزه که در جنگ شش روزه به اشغال اسرائیل درآمده‌اند، هرگز از نظر بین‌المللی به عنوان بخشی از سرزمین مصر و اردن به رسمیت شناخته نشده‌اند و از این رو نمی‌توان گفت که اسرائیل بخشی از خاک این دو دولت را اشغال کرده است. بنابراین از نظر اسرائیل کنوانسیون شماره ۴ در این مناطق قابل اعمال نیست. (Geoffrey R. Watson, ۲۰۰۰: ۳۴) در حالیکه تاکنون ادعای عدم قابلیت کنوانسیون چهارم در مورد سرزمین‌های اشغالی از سوی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و سایر متخصصین حقوق بین‌الملل رد شده است. صلیب سرخ (به عنوان ناظر کنوانسیون‌های ژنو) معتقد است که کنوانسیون چهارم ژنو ارتباطی به حاکمیت طرفین مخاصمه ندارد.



این کنوانسیون در کلیه مواردی که سرزمینی در طول یک مخاصمه مسلحانه اشغال گردد، فارغ از وضعیت حقوق آن سرزمین اعمال خواهد شد. (David kretzmer, ۲۰۰۲: ۳۳)

علاوه بر این شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز در موارد مختلف از اسرائیل خواسته‌اند که به قواعد حقوق بشر دوستانه در سرزمین‌های اشغالی احترام بگذارد.

به عنوان مثال شورای امنیت در سال ۱۹۹۰ با تصویب قطعنامه ۶۸۱ از دولت اسرائیل درخواست نمود تا اعمال دائمی (دوژوره) کنوانسیون چهارم ژنو در مورد سرزمین‌های اشغالی را بپذیرد. مجمع عمومی

سازمان ملل متحد نیز در سال ۲۰۰۱ در قطعنامه ۵۶/۶۰ مجدداً بر این موضوع تأکید کرد که کنوانسیون چهارم ژنو در مورد سرزمین‌های اشغالی فلسطین شامل اورشلیم و سایر سرزمین‌های عربی که از ۱۹۶۷

توسط اسرائیل اشغال شد، قابل اعمال است. همچنین دولت‌های متعاقد به کنوانسیون ژنو در کنفرانسی در سال ۲۰۰۱ قابلیت اجرایی کنوانسیون چهارم در مورد سرزمین‌های اشغالی را تأیید و از اسرائیل خواستند تا از نقض‌های فاحش کنوانسیون از قبیل مصادره و تخریب گسترده اموال که ضرورت نظامی آن را ایجاب نمی‌کند، بپرهیزد. (بابایی، ۱۳۸۶: ۲۰۹)

بنا به دلایل فوق‌الاشاره، تردیدی نیست که نوار غزه جزو سرزمین‌های اشغالی بوده و در طول دوران اشغال، خارج از سلطه حقوق نیست و تابع نظام حقوقی خاصی می‌باشد. از جمله مقررات کنوانسیون چهارم لاهه مورخ ۱۸ اکتبر سال ۱۹۰۷ (بخش سوم مواد ۴۲ تا ۵۶)، منشور ملل متحد، کنوانسیون چهارم ژنو مورخ

۱۲ اوت سال ۱۹۴۹ در زمینه حمایت از افراد غیرنظامی (بخش سوم مواد ۴۷ تا ۸۰)، قطعنامه تعریف تجاوز

انجامید. در این جنگ نابرابر اسرائیل ضمن ارتکاب جنایات علیه صلح به خاطر نقض صلح و شروع جنگ تجاوز کارانه، مرتکب جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی شد که این امر در گزارش سازمان‌های بین‌المللی به ویژه در گزارش کمیته حقیقت‌یاب سازمان ملل متحد به ریاست گلدستون اثبات شده است. جنایت جنگی، جنایتی است که ارتکابش نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه ناظر بر درگیری‌های مسلحانه را در پی دارد. (شیابیزی، ۱۳۸۳: ۱۵۱)

جنایات جنگی نقض‌های جدی مقررات عرفی یا معاهده‌ای حقوق بشر دوستانه در مورد مخاصمات مسلحانه هستند که باید نقض ارزش‌های مهم حمایت شده محسوب شوند و نتایج مهم و گسترده‌ای برای قربانیان داشته، مطابق حقوق عرفی یا معاهده‌ای، متضمن ایجاد مسئولیت کیفری فردی برای مرتکبین باشند. (Antonio, ۲۰۰۳: ۴۷)

مورخ ۱۹۷۴، پروتکل شماره یک الحاقی به کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو مورخ ۱۹۷۷. حقوق قراردادی حاکم بر اشغال دارای خصیصه امری است، زیرا ناشی از عهدنامه‌های قانونی چند جانبه‌ای است که اجازه انحراف از آن‌ها داده نشده است. (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۱: ۲۰۹)

رژیم صهیونیستی به عضویت کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو در آمده است، اما عضو پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷ نیست. با این حال، برخی از مقررات این پروتکل‌ها به عنوان حقوق بین‌الملل عرفی شناخته شده‌اند و بنابراین، برای همه کشورها از جمله رژیم صهیونیستی لازم‌الرعایه می‌باشد. اسرائیل برخلاف تعهدات بین‌المللی خود در خصوص سرزمین‌های اشغالی و بر خلاف اصل ممنوعیت توسل به زور، جنگ علیه غزه را ۲۷ دسامبر ۲۰۰۸ با نام عملیاتی «عملیات سرب گداخته» آغاز کرد و این جنگ تا ۱۷ ژانویه سال ۲۰۰۹ به طول

از نظر دیوان کیفری بین‌المللی  
 اعمالی که در قالب جنایت جنگی  
 قرار میگیرند، عبارت است از: حمله  
 عمدی به جمعیت غیرنظامی و یا به  
 افراد غیرنظامی که در نبردها مشارکت  
 مستقیم ندارند، دستور جابجایی سکنه  
 غیرنظامی، حمله به اموال و اشیای  
 غیرنظامی شامل: ساختمان‌ها، مواد،  
 واحدها و وسایل نقلیه بهداری و  
 پرسنل پزشکی، ساختمان‌هایی که

برای مقاصد مذهبی، آموزشی، هنری،  
 علمی یا امور خیریه استفاده می‌شوند  
 و نیز بناهای تاریخی، بیمارستان‌ها و  
 مکان‌های نگهداری بیماران و زخمیان.  
 در حملات اسرائیل به نوار غزه جنایاتی  
 واقع شد که می‌توان آن‌ها را در سه دسته  
 کلی به شرح زیر ارائه نمود:

#### الف. نسل‌کشی (ژنوسید)

جنایات واقع شده در این بخش عمدتاً بر  
 مبنای تعریفی است که در مواد ۲ و ۳ کنوانسیون  
 پیشگیری و مجازات جنایت ژنوسید مورخ ۹  
 دسامبر ۱۹۴۸ ارائه شده است:

۱. قتل اعضای یک گروه: اتفاقی که هر  
 لحظه شاهد آن بودیم و بند ۲ قطعنامه  
 شورای حقوق بشر (مورخ ۱۲ ژانویه  
 ۲۰۰۹) به آن اشاره نموده و همچنین  
 این موضوع در گزارش اجلاسیه ویژه  
 اضطراری ۱۵ ژانویه ۲۰۰۹ مجمع  
 عمومی مورد تأکید واقع شده و در آن  
 گزارش آمده است که بیش از ۱۰۰۰  
 نفر کشته شده‌اند که از این تعداد  
 ۱/۳ آن‌ها کودک بوده‌اند.

۲. ایراد صدمه شدید به سلامت جسمی  
 یا روحی یک گروه: در جای جای  
 گزارش اجلاسیه ویژه اضطراری  
 مجمع عمومی در تاریخ ۱۵ ژانویه  
 ۲۰۰۹ و قطعنامه شورای حقوق بشر،  
 ایراد صدمات جسمی مشهود است.

۳. قرارداد عمومی گروه در معرض  
 وضعیت نامناسب که منتهی به زوال  
 قوای جسمی کلی یا جزئی آن‌ها باشد:  
 از محاصره طولانی مدت که در نوار  
 غزه واقع شد، می‌توان به خوبی به  
 این مساله پی برد. ضمناً در گزارش

ب. جنایات علیه بشریت  
بر اساس ماده ۷ اساسنامه دیوان  
کیفری بین‌المللی، جنایت علیه  
بشریت دارای عناصر زیر است که  
تمامی آن‌ها در حملات اسرائیل  
به غزه محقق شده‌اند: مشارکت  
مستقیم، علم به اعمال در حال انجام،  
گسترده‌گی عمل و سیستماتیک بودن  
آن‌ها. مصادیق جنایت علیه بشریت  
بدین شرح است:

۱. قتل: بر اساس بند (الف) (۱) از  
ماده ۳ کنوانسیون‌های ژنو، انجام  
کشتار توسط اسرائیل محکوم است.  
۲. قلع و قمع: مجروح نمودن بیش از  
۴۰۰۰ نفر گواه خوبی است بر این مدعا.  
۳. زجر دادن: محروم نمودن انسان‌ها  
از حقوق اساسی و اولیه خود نشانگر  
وقوع این جرم است.

۴. کشتار زنان و کودکان: بر اساس  
مواد ۱۴ و ۲۷ کنوانسیون چهارم ژنو  
و قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه

اجلاسیه ویژه اضطراری ۱۵ ژانویه  
۲۰۰۹ مجمع عمومی (پاراگراف ۴ از  
صفحه اول) این موضوع چنین مورد  
تأکید قرار گرفته است:

«این حقیقت دارد که مردم غزه  
زندانی شده‌اند و نمی‌توانند آن منطقه  
را ترک کرده یا حتی فرار نمایند و  
هیچ جایی برای پنهان شدن در برابر  
حملات ندارند».

موارد مذکور باید همراه با قصد  
و نیت باشد که از سخنرانی‌ها و  
موضع‌گیری‌های مقامات اسرائیلی به  
راحتی می‌توان به وجود قصد نابود  
کردن گروه خاص در غزه پی برد.  
لازم به ذکر است که بر اساس رأی  
JELICIC در دیوان کیفری بین‌المللی  
یوگوسلاوی سابق (ICTY) حمله به  
شهر زمانی که نظامیان و غیرنظامیان در  
آن مستقرند و غیرنظامیان در خانه‌های  
خود پناه گرفته‌اند می‌تواند دلیلی بر  
وجود قصد خاص ژنوسید باشد.

عرفی کشتار زنان و کودکان به شدت محکوم است.

۵. حمله به بیمارستان و مراکز درمانی:

ماده ۱۸ کنوانسیون چهارم ژنو حمله به بیمارستان‌ها را ممنوع نموده است.

۶. عدم مجوز برای حمل و نقل مجروحان: ماده ۲۱ کنوانسیون چهارم

ژنو کشورها را متعهد می‌نماید که مجروحان و زخمیان را به بیمارستان‌ها

و مراکز درمانی یا مکان‌هایی که برای این منظور تعبیه شده است، منتقل

نمایند. بنابراین ممانعت از اسرائیل از این امر تخلف محسوب می‌شود.

۷. عدم اجازه جهت رساندن دارو: ماده ۲۳ کنوانسیون چهارم ژنو به این

موضوع اشاره نموده و آن را تخلف می‌داند.

۸. حمله به مدارس و مراکز مذهبی: صفحه اول گزارش اجلاسیه ویژه

۱۵ ژانویه ۲۰۰۹ مجمع عمومی این حملات را محکوم کرده و آن‌ها را

نقض کنوانسیون‌های ژنو می‌داند.

حملات به ساختمان‌ها که شامل مدارس و بیمارستان‌ها می‌شود و باعث تخریب آن‌ها شده است.

### ج. جنایات جنگی

بر اساس ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، جنایات جنگی

شامل موارد زیر می‌شوند و اسرائیل به تناوب این اعمال را انجام داده

است:

۱. قتل عام

۲. رفتار غیرانسانی که باعث ایجاد درد، رنج جسمانی یا روانی شدید می‌شود.

۳. ایجاد رنج تعمدی

۴. تخریب اموال

۵. حصر غیرقانونی

۶. حمله به غیرنظامیان

۷. حمله به اشیاء و اهداف غیرنظامی

۸. حمله به کارکنان سازمان‌های بشردوستانه بین‌المللی یا تجهیزاتی که در کمک‌های انسان‌دوستانه به کارگرفته می‌شوند: بند ۱۶ قطعنامه



بر طبق گزارشات متعدد رسانه‌ها و تصاویر و تحلیل‌های ارائه شده توسط کارشناسان، تسلیحات فسفری به دفعات مورد استفاده اسرائیل قرار گرفته است. به عنوان یک قاعده بنیادین حقوق بین‌الملل بشر دوستانه بایستی در نظر داشت که کاربرد هرگونه سلاح علیه غیرنظامیان به شدت منع شده است و غیرنظامیان بایستی در برابر اثرات هرگونه عملیات نظامی حمایت شوند. کاربرد تسلیحات دارای فسفر سفید مثل کاربرد هر نوع سلاح دیگر به وسیله قواعد اولیه حقوق بین‌الملل بشر دوستانه قاعده‌مند شده است. این قواعد از طرفین درگیر می‌خواهد که بین اهداف نظامی و اهداف غیرنظامی تفکیک قائل شوند. همچنین این قواعد لزوم اتخاذ اقدامات احتیاطی عملی به منظور ممانعت از صدمه به غیرنظامیان و اهداف غیرنظامی که

شورای حقوق بشر (۱۲ ژانویه ۲۰۰۹) نیز بر این امر تأکید دارد و از دبیرکل درخواست می‌نماید که در خصوص حمله به مراکز آژانس امداد و کار سازمان ملل متحد برای کمک به آوارگان فلسطینی در خاور نزدیک (UNRWA) در غزه از جمله مدارس که منجر به کشته شدن ده‌ها نفر از غیرنظامیان فلسطینی شامل زنان و کودکان شده است، تحقیق به عمل آورد و در این ارتباط گزارشی به مجمع عمومی تسلیم نماید.

۹. حمله به مکان‌های بی‌دفاع: انجام این حملات در کنوانسیون چهارم ژنو منع شده است.

۱۰. استفاده از سم یا سلاح‌های سمی که باعث صدمه شدید یا مرگ می‌شود: در این راستا استفاده اسرائیل از سلاح‌های غیرمتعارف مثل بمب‌های فسفری و بمب‌های خوشه‌ای محکوم است.

ناشی از عملیات نظامی می‌باشد را الزامی می‌داند. حملاتی که موجب ورود خسارات و آلام غیرضرور به غیرنظامیان و اهداف غیرنظامی شود، ممنوع است. کاربرد فسفر سفید به عنوان سلاح آتش‌زا جهت حمله به اهداف نظامی مشمول محدودیت‌های بیشتری است. استفاده از تسلیحات حاوی فسفر سفید علیه هرگونه هدف نظامی در محدوده تمرکز غیرنظامیان ممنوع می‌باشد، مگر اینکه هدف نظامی به طور شفاف از غیرنظامیان جداسازی شود. استفاده از تسلیحات آتش‌زا هوا به زمین علیه اهداف نظامی در محدوده تمرکز غیرنظامیان ممنوع می‌باشد. این ممنوعیت‌ها در پروتکل سوم کنوانسیون برخی سلاح‌های متعارف مقرر شده است.

### موارد نقض حقوق بین‌الملل در جنگ ۲۲ روزه غزه

برای تبیین اعمال جنایتکارانه سران رژیم اسرائیل در غزه اشاره به اصولی از حقوق جنگ (حقوقی بشردوستانه) ضروری است:

۱. حریم اشخاصی که در جنگ شرکت نداشته یا دیگر شرکت نمی‌کنند باید رعایت گردد و رفتار با آن‌ها باید انسانی باشد.
۲. حق طرف‌های مخاصمه مسلحانه در انتخاب شیوه‌ها و ابزار و آلات جنگی نامحدود نیست و باید در استفاده از این شیوه‌ها جانب انصاف را بگیرند، به این صورت که از وارد آوردن صدمات و جراحات بی‌حد و حصر و غیرلازم جداً احتراز کنند.
۳. به منظور رعایت حال جمعیت غیرنظامی، نیروهای مسلح درگیر باید در هر وضع و حالی میان جمعیت غیرنظامی و اموال آنان از یک طرف و اهداف

غیرنظامی از طرف دیگر، قائل به تفکیک شوند. نه جمعیت غیرنظامی و نه اموال ایشان هیچ یک نباید اهدافی برای حملات نظامی باشند. اصول فوق را دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه کانال کورفو ۱۹۴۹ اصول اولیه حقوق بشردوستانه و در قضیه نیکاراگوئه ۱۹۸۶ اصول کلی حقوق بشردوستانه نام‌گذاری کرده است.

رژیم صهیونیستی در جنگ ۲۲ روزه خود علیه غزه دست به اعمالی زده است که طبق قواعد حقوق بشردوستانه و حقوق بین‌الملل از مصادیق جنایت جنگی محسوب می‌شود که به مواردی از آن اشاره می‌شود:

#### ۱. حمله به غیرنظامیان و اموال غیرنظامی:

به منظور حمایت بیشتر از غیرنظامیان و در پی تلاش‌های صلیب سرخ بین‌المللی، سرانجام، طی مذاکرات طولانی در ۱۰ ژوئن ۱۹۷۷، دو پروتکل به کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو ضمیمه شد. پروتکل نخست، اختصاص به حمایت از قربانیان درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی دارد که در جنگ‌های بین‌الدولی اجرا می‌شود و پروتکل دوم، مربوط به حمایت از قربانیان در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی و داخل کشورها است. مطابق ماده ۲ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو، قواعد این کنوانسیون‌ها، در هر جنگ اعلام شده یا هر مخاصمه مسلحانه که میان دو یا چند کشور طرف معاهده، حتی اگر حالت جنگی توسط یکی از آن‌ها به رسمیت شناخته نشود، قابل اجرا است. همچنین، قواعد این کنوانسیون‌ها در کلیه موارد اشغال تمام یا بخشی از سرزمین یک کشور، حتی اگر اشغال، با مقاومت نظامی روبرو نشود، اجرا می‌گردد. قواعد این کنوانسیون‌ها، نسبت به کشورهای غیر عضو نیز قابل اجراست؛ زیرا مقررات مندرج در آن، عرفی و مورد قبول جامعه بین‌المللی است. (Verma, ۱۹۹۸: ۲۱۷)



ماده ۵۳ کنوانسیون چهارم ژنو رژیم صهیونیستی را به عنوان یک نیروی اشغالگر در غزه از تخریب اموال فلسطینی‌ها منع کرده است، در حالی که این رژیم عمداً با بمباران هوایی، آتش توپ‌خانه‌ها موجب تخریب گسترده اموال غیرنظامیان و اماکن غیرنظامی و خانه‌های مسکونی در نوار غزه شده است که این اقدام بر اساس ماده ۱۴۷ کنوانسیون چهارم ژنو جنایت جنگی می‌باشد. اداره ملل متحد در امور همکاری‌های بشردوستانه بر طبق گزارش وزیر بهداشت فلسطین اعلام کرد که در فاصله ۲۷ دسامبر ۲۰۰۸ تا ۱۸ ژانویه ۲۰۰۹ در اثر حمله نظامی اسرائیل به غزه حدود ۱۴۳۰ نفر فلسطینی کشته و ۵۳۸۰ نفر دیگر، برخلاف مقررات کنوانسیون چهارم ژنو، توسط ارتش اسرائیل مجروح شدند که اکثر آن‌ها غیر نظامی، از جمله زنان و کودکان، بودند. طبق همین گزارش، در بین کشته‌شدگان تعداد ۴۱۲ نفر، کودک بوده‌اند. گروه‌های فلسطینی در مجموع از کشته شدن ۱۵۸ نظامی عضو گروه‌های خود خبر می‌دهند. حماس تعداد کشته‌گان خود را ۴۸ نفر، جهاد اسلامی ۳۸ نفر و کمیته‌های مقاومت مردمی ۳۴ نفر اعلام می‌کنند. ریچارد فالک، گزارشگر ویژه سازمان ملل در مورد فلسطینیان، گفت: شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد، اسرائیل در جنگ سه هفته‌ای غزه مرتکب جنایات جنگی شده است. او خواستار آن شد که این موضوع توسط یک تیم مستقل بررسی شود. به نظر فالک، اسرائیل به غیرنظامیان ساکن در مناطق پرجمعیت فلسطینی، هیچ‌گونه شانس برای تأمین امنیت خود نداده است.

بنابر گزارش لوموند اتهامات مستندی در مورد ۲۰ رخداد درباره شلیک سربازان اسرائیلی به سوی زنان و کودکان فلسطینی که پرچم سفید با خود به همراه داشته‌اند مطرح شده است.

گروهی از سربازان اسرائیلی در نامه‌ای سرگشاده شهادت دادند که در جریان حمله ماه ژانویه به باریکه غزه، یک هم‌رزم آنان به سوی یک زن و دو کودک بی‌دفاعش شلیک کرده و آن‌ها را همراه با یک زن کهنسال دیگر کشته است. در این نامه همچنین از خشونت شدید ارتش و تخریب بی‌دلیل خانه‌های غیرنظامیان فلسطینی گزارش داده شده. این نامه ابتدا در آکادمی نظامی اسحاق رابین توزیع شد و پس از آن در ۱۹ مارس ۲۰۰۹ در روزنامه‌ها آرتص منتشر و در چند فرستنده رادیویی پخش شد. پرسنل پزشکی کمیته صلیب سرخ جهانی و نیروهای سازمان ملل متحد نیز در بمباران وسیع ارتش اسرائیل مورد اصابت قرار گرفتند. ارتش اسرائیل تأسیسات غیرنظامی، خانه‌ها، اماکن عمومی، مدارس، مساجد، مراکز و ایستگاه‌های خبری، زیرساخت‌های حیاتی از جمله شبکه توزیع آب و برق را به شدت تخریب کرده است که طبق حقوق بین‌الملل و کنوانسیون‌های ژنو جنایت جنگی محسوب می‌شود.

اسرائیل تعدادی از بیمارستان‌های غزه را در جریان جنگ ۲۲ روزه بمباران و آن‌ها را تخریب و تعداد زیادی از مریض‌ها و مجروحین بستری شده در آن بیمارستان‌ها را از بین برد. در ۱۳ ژانویه ۲۰۰۹ بیمارستان کاتولیک‌ها در منطقه المغازی غزه توسط نیروی هوایی اسرائیل به طور کامل منهدم شد. در حالی که بر اساس ماده ۱۸ کنوانسیون چهارم ژنو بیمارستان‌ها و مراکز درمانی می‌بایست از هرگونه تجاوز به حریم بیمارستان‌ها و مراکز درمانی ممنوع می‌باشد. ممانعت از حمل و نقل مجروحان برخلاف ماده ۲۱ کنوانسیون چهارم ژنو ممانعت از رساندن دارو بر خلاف ماده ۲۳ کنوانسیون چهارم ژنو از جرایم جنگی شناخته شده است.

در یازدهمین روز جنگ، اسرائیل یک مدرسه ساخته شده توسط سازمان کمک به آوارگان ملل متحد در اردوگاه جبلیا را که عده‌ای از مردم در آن پناه گرفته بودند، بمباران کرد، که به کشته شدن ۴۵ تن و مجروح شدن ۴۰ تن دیگر از غیرنظامیان انجامید. بیش از ۴۰۰ نفر در پی درگیری خیابانی بین سربازان اسرائیلی و جنگجویان حماس، در ساختمان این مدرسه پناه گرفته بودند. خبرگزاری آلمان به نقل از اهالی اردوگاه اعلام کرد نیروهای حماس از نزدیکی این مدرسه به سربازان اسرائیلی شلیک کرده‌اند، ولی اسرائیل اعلام کرد که نیروهای حماس در این مدرسه پناه گرفته بودند.

۱۷ ژانویه سال ۲۰۰۹، شماری از خمپاره‌های تانک‌های ارتش اسرائیل به یک مدرسه در بیت لاهیا در شمال نوار غزه، در حالی که چند صد نفر از اهالی ناحیه در آن پناه گرفته بودند، اصابت کرد و چند تن از این افراد از جمله دو کودک کشته شدند. (Deutsche Welle | ۱۷.۰۱.۲۰۰۹)

در سوم ژانویه ۲۰۰۹ یک مسجد در بیت لاهیا در هنگام نماز عصر مورد حمله قرار گرفت و در طول جنگ تعداد دیگری از مساجد توسط رژیم صهیونیستی اسرائیل تخریب شده است، در حالیکه مساجد معمولاً از اماکن غیرنظامی مورد حمایت هستند.

### ۲. استفاده از فلسطینیان به عنوان سپر انسانی

عفو بین‌الملل، طی گزارشی اعلام کرد که اسرائیل در عملیات‌های خود در غزه از غیرنظامیان، از جمله کودکان، به عنوان سپر انسانی استفاده کرده است، چون آن‌ها را وادار می‌کرده در خانه‌هایی که این نیروها به عنوان مواضع نظامی از آن‌ها استفاده می‌کرده‌اند، بمانند. (BBC World News, ۰۲.۱۰.۲۰۰۹)

همچنین گزارش‌هایی نیز از استفاده نیروهای نظامی اسرائیل (IDF) از یک کودک ۱۱ ساله فلسطینی در ۱۵ ژانویه ۲۰۰۹ به عنوان سپر انسانی در مقابل حمله مبارزان فلسطینی به تانک‌های ارتش اسرائیل منتشر شده است.  
(<http://fa.Wikipedia.Org>)

در روز ۱۵ ژوئیه ۲۰۰۹ گروهی از سربازان سابق ارتش اسرائیل که گروهی را به نام شکست سکوت، تشکیل داده بودند، گزارشی ۱۱۰ صفحه‌ای منتشر کردند که در آن گزارشاتی مبنی بر استفاده تنی چند از سربازان اسرائیلی از شهروندان ساکن نوار غزه به عنوان سپر انسانی وجود دارد. گزارشاتی نیز مبتنی بر استفاده بعضی سربازان اسرائیلی از ماشین‌های آمبولانس حمل مجروحان فلسطینی به عنوان سپر انسانی مخابره شده است. (<http://fa.Wikipedia.Org>) نیروهای اسرائیل در غزه وارد خانه برخی فلسطینی‌ها شده سکنه خانه را مجبور به اقامت در زیرزمین کردند و خود از این منازل به عنوان پایگاه نظامی و مقر تک‌تیراندازها استفاده کردند و غیرنظامیان را به عنوان سپر انسانی مورد استفاده قرار دادند. (حسینی نژاد، ۱۳۸۸: ۱۲۰) این اقدام اسرائیل با مقررات ماده ۲۴ کنوانسیون چهارم ژنو که مقرر میدارد طرفین متخاصم باید تدابیر لازم را اتخاذ کنند تا کودکان زیر ۱۵ سال که بر اثر جنگ یتیم میشوند و یا از خانواده خود جدا میافتند به حال خود واگذاشته نشوند و در هر شرایطی تسهیلات لازم جهت نگهداری و انجام فرایض مذهبی و تربیتی آنان فراهم شود و به موجب ماده ۷۷ پروتکل شماره یک کودکان باید مورد احترام خاص قرار گیرند و در برابر هرگونه هتک حرمت حمایت شوند. بند ۷ ماده ۵۱ پروتکل مذکور نیز استفاده از حضور یا تحریک غیرنظامیان جهت استتار هدف‌های نظامی و یا تحت پوشش قرار دادن عملیات نظامی را ممنوع اعلام کرده است. نقض این مقررات و استفاده از

کودکان به عنوان سپر انسانی، نقض مقررات حقوق بین‌الملل بشر دوستانه و جنایت جنگی تلقی می‌شود.

اسرائیل در طول جنگ غزه، طبق مقررات کنوانسیون‌های مربوط به حقوق بین‌الملل بشردوستانه، ۱۹۰۷ لاهه و ۱۹۴۹ ژنو و پروتکل‌های آن‌ها وظیفه داشت بین اهداف نظامی و شخص نظامی و اهداف غیرنظامی و شخص غیرنظامی تفکیک قائل شود، در حالی که رژیم صهیونیستی در تهاجم خود به غزه با حمله به ساختمان مرکز بهداشت روانی غزه، حمله به خانه‌های مسکونی و تخریب تعداد زیادی از آن‌ها، تدارک حملات کور علیه منازل و مکان‌های غیرنظامی به ویژه کودکان و زنان، حمله به مساجد که مردم غیرنظامی در آن پناه گرفته‌اند، حمله به ساختمان‌های بسیاری در شهر غزه باعث نقض این بخش از اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و مقررات معاهده ۱۹۰۷ لاهه و کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ لاهه شده است و طبق نص صریح ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی این عمل جنایت جنگی محسوب شده و مسئولیت کیفری رژیم صهیونیستی را موجب می‌شود. البته این رژیم مدعی شده است که حماس از مدارس، مساجد و خانه‌های مسکونی برای ذخیره یا تولید مهمات، راکت‌ها یا سایر سلاح‌ها، فرماندهی یا کنترل مراکز، اقامت مبارزان حماس برای حمله علیه شهرها یا نیروهای صهیونیستی استفاده می‌شده است، ولی رژیم صهیونیستی اسرئیل دلایل و مستندات برای اثبات این ادعا ارائه نکرده است.

### ۳. استفاده از سلاح‌های ممنوعه

مطابق مقررات حقوق بشردوستانه، روش‌های جنگی که صدمات بی‌مورد وارد ساخته و موجبات آلام غیرضروری را فراهم آورد، ممنوع است؛ هرچند از سلاح‌های مجاز استفاده شود. بر این اساس، طرف‌های درگیر نمی‌توانند از هر

روشی برای جنگ استفاده نمایند و باید تا آنجا از زور استفاده شود که برای غلبه بر طرف مقابل لازم است. حمله و بمباران اماکن بدون حفاظ یا بدون دفاع، حمله به بیمارستان‌ها، کلیساها، مساجد و اماکن مذهبی مشابه، ممنوع است. از سوی دیگر، استفاده از اسلحه و ادوات جنگی، که باعث صدمات بی‌مورد و آلام غیرضروری می‌شود، ممنوع است. بر این اساس، آن مقدار از زور باید بکار گرفته شود که برای غلبه بر دشمن ضرورت دارد. عمده مقررات مربوط به سلاح‌های ممنوعه، در پروتکل اول سال ۱۹۷۷ آمده است؛ ولی استفاده از نوع سلاح ممنوعه، به عهده دولت‌های تولیدکننده و استفاده‌کننده گذاشته شده و آنان باید توجه نمایند که استفاده از چنین سلاح‌هایی، با اصول حقوق بین‌الملل بشردوستانه، مغایرت نداشته باشد. (بوسچک و رابرت سون، ۱۳۷۵: ۵۷)

یوسف ابوالریش از مسئولان بیمارستانی در غزه فاش کرده است که ارتش اسرائیل در حملات خود خمپاره‌های فسفوری بکار بسته است. او می‌گوید: «بدن مجروح شدگان چنان سوخته است که فقط فسفر سفید می‌توانسته عامل این سوختگی بوده باشد». (حسینی نژاد، ۱۳۸۸: ۱۱۳)

گفته می‌شود از اصابت این خمپاره‌ها دودی سفید بلند می‌شده است. دیده‌بان حقوق بشر نیز تأیید کرد که اسرائیل در غزه از بمب‌های حاوی فسفر سفید استفاده کرده است.

بازرس ویژه فرستاده شده به غزه اظهار کرده است که اسرائیل در حمله به مرکز کم‌کسانی سازمان ملل در تاریخ ۱۵ ژانویه از فسفر سفید استفاده کرده است. این در حالی است که در تاریخ مذکور ۷۰۰ شهروند غیرنظامی در آن مرکز حضور داشته‌اند. اسرائیل همچنین از بمب‌های فسفر سفید در حمله به بیمارستان‌های القدس و الوفا استفاده کرده است.

(www. Timesonline. co. UK/tol/News/World/middle\_east/article,24.10. 2009)



اسرائیل کاربرد این نوع سلاح‌ها را رد کرده است، اما سازمان ملل و بسیاری از نهادهای حقوق بشری (از جمله دیده‌بان حقوق بشر، عفو بین‌الملل و غیره) در گزارش‌های خود با استناد به دلایل و مستندات متقن از کاربرد سلاح‌های نامتعارف توسط رژیم صهیونیستی اسرائیل علیه مردم غیرنظامی فلسطین در مناطق پرجمعیت غزه را مورد تأیید قرار داده‌اند. آن‌ها انفجار خمپاره‌های فسفری در محدوده اردوگاه آوارگان جبلیه را تأیید کرده‌اند. (حسینی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۱۰۶)

در طول سه هفته جنگ، رژیم صهیونیستی از هلی‌کوپترها و هواپیماهای بدون سرنشین و هواپیماهای جنگی اف - ۱۰ استفاده کرده است، آثار و بقایای بمباران‌های هوایی در سراسر غزه از جمله خیابان‌ها، زمین‌های بازی مدارس، بیمارستان‌ها و خانه‌های مسکونی توسط کمیته عفو بین‌الملل مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت، این کمیته اعلام کرده است که کدها و علائم موجود بر روی بقایای این تسلیحات نشان می‌دهد که از تولیدات شرکت آمریکایی رایتون هستند. (حسینی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۱۰۷) دیده‌بان حقوق بشر در گزارش خود تأکید کرده است که نیروهای اسرائیلی مکرراً مهمات حاوی فسفر سفید را در هوا بر فراز مناطق پرجمعیت منفجر کرده‌اند که منجر به کشته و مجروح شدن غیرنظامیان و ورود خسارت به اماکن و تأسیسات غیرنظامی شده است.

بنابراین گزارش نشریه لوموند شکایتی درباره استفاده ارتش اسرائیل از سلاح Dime (فلز متراکم انفجاری) مطرح شده است. برخی کشورهای عربی نیز به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی شکایت کرده‌اند که اسرائیل در حمله به باریکه غزه گلوله‌هایی را به کار گرفته است که در ترکیب آن‌ها اورانیوم ضعیف شده موجود است. خطر اصلی ناشی از اورانیوم ضعیف شده، مسمومیتی است که

ایجاد می‌کند. سم اکسید اروانیوم در هوا پراکنده می‌شود و محیط زیست را آلوده می‌کند. جذب آن به ویژه باعث آسیب‌دیدگی کلیه می‌شود. (Deutsche Welle | ۲۱. ۰۱. ۲۰۰۹)

طبق گزارش کمیته تحقیق سلاح‌های نوین، نیروهای اشغالگر رژیم صهیونیستی در جنگ غزه سلاح‌های نامتعارف نوین را در قبال جمعیت غیرنظامی به کار برده‌اند. کمیته مزبور نهایتاً به این نتیجه رسیده که رژیم صهیونیستی سلاح‌های انفجاری حاوی ذرات فلزی متراکم، بمب‌های ترموباریک، بمب‌های خوشه‌ای، سلاح‌های حاوی اورانیوم و فسفر سفید و دیگر انواع سلاح‌های نوین را به کار برده است.

پروتکل سوم کنوانسیون مربوط به سلاح‌های متعارف، ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های کاربرد سلاح‌های آتش‌زا را دربرمی‌گیرد. بر اساس این پروتکل، سلاح آتش‌زا به هر سلاح یا مهماتی اطلاق می‌گردد که به دلیل وجود شعله، حرارت یا آمیخته‌ای از آن‌ها یا انجام واکنش شیمیایی ناشی از مواد، منجر به آتش گرفتن اهداف یا ایجاد سوختگی بر بدن افراد می‌شود. بر طبق این تعریف، فسفر سفید یکی از سلاح‌های آتش‌زا محسوب می‌گردد.

#### ۴. جنایت نسل‌کشی (ژنوسید)

کشتار دسته‌جمعی و هر عمل غیرانسانی که علیه ملت‌ها به دلایل سیاسی، نژادی، یا مذهبی صورت می‌گیرد در زمره جنایت علیه بشریت محسوب می‌شود. (موسی‌زاده، ۱۳۷۸: ۹۶) جنایات واقع شده در این بخش عمدتاً بر مبنای تعریفی است که در مواد ۳ و ۲ کنوانسیون پیشگیری و مجازات جنایت ژنوسید مورخ ۹ دسامبر ۱۹۴۸ ارائه شده است که در رفتار اسرائیل در جنگ ۲۲ روزه غزه به شرح زیر عینیت یافت:



۱- قتل اعضای یک گروه؛ اتفاقی که هر لحظه شاهد آن بودیم و بند ۲ قطعنامه شورای حقوق بشر (مورخ ۱۲ ژانویه ۲۰۰۹) به آن اشاره کرده و همچنین این موضوع در گزارش اجلاسیه ویژه اضطراری ۱۵ ژانویه ۲۰۰۹ مجمع عمومی مورد تأکید واقع شده و در آن گزارش آمده است، بیش از هزار نفر کشته شده‌اند که از این تعداد ۱/۳ آن‌ها کودک بوده‌اند.

۲- ایراد صدمه شدید به سلامت جسمی یا روحی یک گروه؛ در جای جای گزارش اجلاسیه ویژه اضطراری مجمع عمومی در تاریخ ۱۵ ژانویه ۲۰۰۹ و قطعنامه شورای حقوق بشر ایراد صدمات جسمی مشهود است.

۳- قرار دادن عمومی گروه در معرض وضعیت نامناسب که منتهی به زوال قوای جسمی کلی یا جزیی آن‌ها باشد؛ از محاصره طولانی مدت که در نوار غزه واقع شد می‌توان به خوبی به این مسأله پی برد. ضمناً در گزارش اجلاسیه ویژه اضطراری ۱۵ ژانویه ۲۰۰۹ مجمع عمومی (پاراگراف چهارم از صفحه اول) این موضوع چنین مورد تأکید قرار گرفته است؛ این حقیقت دارد که مردم غزه زندانی شده‌اند و نمی‌توانند آن منطقه را ترک کرده یا حتی فرار کنند و هیچ جایی برای پنهان شدن در برابر حملات ندارند. موارد مذکور باید همراه با قصد و نیت باشد که از سخنرانی‌ها و موضع‌گیری‌های مقامات اسرائیلی به راحتی می‌توان به وجود قصد نابود کردن گروه خاص در غزه پی برد. لازم به ذکر است که بر اساس رأی حمله به شهر زمانی که نظامیان و غیرنظامیان در آن مستقرند و غیرنظامیان در خانه‌های خود پناه گرفته‌اند می‌تواند دلیلی بر وجود قصد خاص ژنوسید باشد. (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۱: ۲۶۴)

آنچه مسلم است اقدامات رژیم صهیونیستی در کشتار فلسطینیان مصداق بارز جنایت علیه بشریت و نسل کشی است و شدت جنایات اسرائیل در سال‌های اخیر از جمله در جریان حملات وحشیانه این رژیم به غزه قلوب مردم جهان را جریحه دار کرده است. اقدامات رژیم صهیونیستی در نقض موازین انسانی و حقوق فلسطینی‌ها بیش از پیش ماهیت ضد انسانی این رژیم ضد بشری را برای جهانیان نمایان کرده است. جنگ ۲۲ روزه رژیم صهیونیستی اسرائیل علیه غزه میدان آزمون قواعد و مقررات بین‌المللی بوده است. در این آزمون حقوق بین‌الملل مردود صحنه بود. نهادها و سازمان‌های بین‌المللی مراقبین و ناظرین بی‌خاصیت این عرصه بودند که متأسفانه جز تماشای نقض حقوق بین‌الملل از سوی یکی از تابعین آن یعنی رژیم صهیونیستی، اقدام موثری را که ذاتاً و بر حسب وظیفه بر عهده‌شان گذاشته شده است، انجام ندادند و بدین‌سان ما شاهد درد و رنج هزاران انسان از زن و مرد و کودک در نوار غزه بودیم. رژیم صهیونیستی، علی‌رغم عضویتش در کنوانسیون‌های ۱۹۰۷ لاهه و کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو و علی‌رغم شمول قواعد عرفی متعدد، بر اثر بمباران‌های کورکورانه افراد غیرنظامی غزه اعم از زن و مرد و کودک و اموال خصوصی غیرنظامیان غزه اعم از خانه‌های مسکونی و محل اشتغال آن‌ها و اموال عمومی اعم از مدارس، مساجد و بیمارستان‌ها و دانشگاه‌ها، از هوا، زمین و دریا مرتکب نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه شده است که بر اساس حقوق بین‌الملل موضوعه و حقوق بین‌الملل عرفی، این‌گونه اقدامات و نیز بکارگیری سلاح‌های ممنوعه، جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت خوانده می‌شود.

بنابراین، علاوه بر جنایت بین‌المللی که در اثر تجاوز به یک کشور و نقض اصل منع توسل به زور صورت می‌گیرد، چنانچه متجاوزان، به هنگام مخاصمه مسلحانه و درگیری نظامی، مقررات جنگ را نادیده بگیرند، مرتکب «جنایت جنگی» نیز شده‌اند. جنایات جنگی عبارت است از نقض فاحش قواعد و مقررات حقوق مخاصمات مسلحانه. این مقررات، در عهدنامه‌های چهارگانه ژنو ۱۹۲۹ و پروتکل‌های الحاقی شماره‌های ۱ و ۲ سال ۱۹۷۷ و نیز در قواعد و عرف‌های مسلم حقوق بین‌الملل حاکم بر حقوق مخاصمات مسلحانه، انعکاس یافته است. جنایات ارتكابی علیه افراد غیرنظامی، جنایات ارتكابی علیه مجروحان و اسیران جنگی، غارت اموال عمومی یا خصوصی در زمان جنگ، بمباران و تخریب شهرها و روستاها و اهداف غیرنظامی دشمن که فاقد ضرورت نظامی باشد، در زمره جنایات جنگی قرار می‌گیرند.

(<http://r. iribnews. ir/UserFiles/File/beynolmelal/I. 438. Pdf>)

قاضی ریچارد گولداستون، رییس هیئت تحقیق، در جمع خبرنگاران در مقر سازمان ملل در شهر نیویورک گفت ما به این نتیجه رسیدیم که بر اساس حقایق یافته شده، مدارک محکمی دال بر نقض جدی و مکرر حقوق بین‌الملل، هم حقوق بشر دوستانه و قانون حقوق بشر به وسیله اسرائیل طی عملیات نظامی در غزه صورت گرفته است. این هیئت به این نتیجه رسیده است که «نیروهای دفاعی اسرائیل (IDF)» مرتکب اقداماتی شامل جنایات جنگی و به نحوی در بعضی موارد جنایت علیه بشریت شده است. در این گزارش آمده است عملکرد نیروهای مسلح اسرائیل مبتنی بر نقض فاحش کنوانسیون چهارم ژنو در رابطه با قتل‌های خودسرانه و به‌گونه‌ای خودسرانه موجب رنج بسیار مردم مورد حمایت، همچنین ظهور مسئولیت جنایی فردی بوده است. گزارش

می‌افزاید شهروندان فلسطینی را هدف مستقیم قرار دادن و به گونه‌ای خود سرانه کشتن آنان نقض حق حیات است. این گزارش در ادامه از «سیاست نظام‌مند و عمدی از جانب نیروهای مسلح اسرائیل برای هدف قرار دادن مکان‌های صنعتی و تأسیسات آب و استفاده از شهروندان فلسطینی به عنوان سپر انسانی انتقاد کرده است. درباره اهداف و خط مشی عملیات نظامی اسرائیل، هیئت به این نتیجه رسیده است که طراحان نظامی عمداً پیرو دکترینی بودند مبتنی بر «استفاده از نیروی غیر متجانس و ایجاد خسارت شدید، تخریب دارایی شخصی و زیرساخت‌ها و تحمیل رنج به جمعیت شهروندان.» قاضی گولد استون گفت حتی اگر اتهامات مبنی بر اینکه مسجد به عنوان پناهگاه گروه‌های نظامی مورد استفاده قرار می‌گرفته و سلاح در آن جا انبار شده بوده صحیح بوده باشد، همچنان تحت قوانین بین‌المللی «حمله خمپاره‌ای به نمازگزاران در مسجد هیچ توجیهی ندارد» زیرا می‌شده به مسجد در شب که هیچ فردی در آن جا نیست حمله کرد. علاوه بر این‌ها، رژیم صهیونیستی مکرراً از سلاح‌های ممنوعه از جمله بمب‌های حاوی فسفر سفید، بمب‌های خوشه‌ای و سلاح‌های انفجاری حاوی ذرات فلزی متراکم علیه مردم غزه استفاده کرده است که از مصادیق بارز جنایات جنگی می‌باشند و طراحان، فرماندهان، افسران، سربازان و کلیه افرادی که به هرنحوی و به هر میزان در ارتکاب این‌گونه جنایات جنگی سهم داشته باشند، بایستی بدواً در محاکم رژیم صهیونیستی تعقیب، محاکمه و مجازات بشوند و اگر در داخل این رژیم اقدامی در این راستا صورت نگیرد، هریک از کشورهای عضو جامعه بین‌المللی می‌توانند آن‌ها را محاکمه و در صورت دسترسی مورد مجازات قرار بدهند. ضمن اینکه، جنایتکاران جنگی از طریق دیوان کیفری بین‌المللی نیز قابل پیگرد، محاکمه و مجازات می‌باشند.

از جمله مواردی که رژیم صهیونیستی در تجاوز اخیر خود به غزه مرتکب جرم نقض حقوق بشردوستانه شده است، عبارت‌اند از: مصونیت غیرنظامیان، تمایز نیروهای نظامی از غیرنظامی، تناسب در استفاده از قوای نظامی با توان و ظرفیت نیروهای مقابل، ضرورت محدود کردن اهداف و تاکتیک‌ها در جهت رسیدن به اهداف مشروع نظامی و رعایت مبانی و اصول حقوق بشر که مطابق با این پنج قاعده، تجاوز اسرائیل به غزه، نقض برخی از آنهاست.

خلاصه آن‌که اولین اصل نقض شده، اصل «محدودیت» است. منظور از اصل محدودیت این است که استفاده از سلاح‌هایی که آسیب‌های بیش از حد لازم به همراه دارند، ممنوع است. اسرائیل از سلاح‌هایی در غزه استفاده کرده که مطابق موازین بین‌المللی نبوده است و اصل محدودیت به کارگیری سلاح‌های آتش‌زا را عملیاتی نکرده و بنابراین حقوق بشردوستانه را نقض کرده است.

دومین اصل نقض شده، «تناسب» است. اندازه‌ی صدمات و آسیب‌های ناشی از یک حمله در مقایسه با آنچه انتظار از آن می‌رود، بایستی یکسان باشد. در حمله‌ی اسرائیل به غزه، هیچ نسبتی بین اهدافی که این رژیم اعلام کرده است و سطح تخریب‌ها وجود ندارد.

سومین اصل نقض شده، «تمایز» است. بین اهداف نظامی و غیرنظامی، می‌بایستی تمایز گذاشته شود که این موضوع در خصوص تجاوز اسرائیل به غزه رعایت نشده است؛ چراکه اماکن مسکونی و... مورد هدف قرار گرفته‌اند. قبلاً مقامات رژیم صهیونیستی اظهار داشته بودند که از جمله اهدافشان این است که اعضای حماس را منهدم کنند. طبیعی است وقتی غزه از متراکم‌ترین مناطق دنیاست و مقامات حماس در داخل مردم و مشترک با مردم هستند و به آن‌ها حمله می‌شود، تمایزی بین نظامیان و غیرنظامیان ایجاد نشده و فجایعی

خونین ایجاد شده است. به همین دلیل است که اعضای خانواده‌ها به صورت دسته‌جمعی در حملات رژیم صهیونیستی به غزه، شهید می‌شوند.

علاوه بر این موارد، رژیم اسرائیل با محاصره‌ی غزه، ممانعت از ورود مواد غذایی و دارویی، عدم رعایت اصل تمایز بین نظامیان و غیرنظامیان و حمله به اماکن مسکونی، درمانی و... بند ۱ و ۲ ماده‌ی ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه‌ی ژنو را نقض کرده است و چون رژیم اشغال‌گر در تاریخ ۶ جولای ۱۹۵۱ آن کنوانسیون را پذیرفته است، پس در صورت نقض (که فاحش است)، متجاوز تلقی می‌شود. بر اساس کنوانسیون‌های چهارم ژنو ۱۹۴۷ و پروتکل ۱۹۷۷ الحاقی، نیروی اشغال‌گر در مقابل ساکنان، تأسیسات زیرساختی و حفاظت از میراث فرهنگی سرزمین‌های اشغالی وظایفی را برعهده دارد که عدم رعایت آن، می‌تواند به ایجاد مسئولیت بین‌المللی برای قوای اشغال‌گر منجر شود. با این حال، کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ، به عنوان نگهبان و مفسر رسمی کنوانسیون‌های حقوق بشر دوستانه، همواره معتقد بوده که مفاد کنوانسیون چهارم ژنو در مورد سرزمین‌های اشغالی فلسطین لازم‌الاجراست. در قطعنامه‌های سازمان ملل بارها از اسرائیل خواسته شده تا از مصادره اراضی و خانه‌های فلسطینی‌ها و همچنین جنگ و خونریزی و عملیات نظامی علیه شهروندان فلسطینی شامل کودکان، زنان، روزنامه‌نگاران و معترضان که همه ساله منجر به کشتار وسیع و زخمی شدن آن‌ها می‌شود، دست بردارد، اما مقامات رژیم صهیونیستی بی‌اعتنا به این خواست و اراده نظام بین‌الملل، همچنان بر نقض حقوق بشر در اراضی اشغالی فلسطین اصرار دارند و رکورددار جنایت علیه فلسطینی‌ها هستند.

### منابع فارسی

- ۱- بابایی، مجتبی، (۱۳۸۶)، بررسی مشروعیت ساخت دیوار حایل در سرزمین‌های اشغالی فلسطین، به نقل از: مجموعه مقالات همایش فلسطین از منظر حقوق بین‌الملل، شهرکرد، انتشارات دانشگاه شهرکرد.
- ۲- بیگزاده، ابراهیم، (۱۳۷۲)، درس حقوق بین‌الملل عمومی (جزوه درسی)، دانشگاه شهید بهشتی.
- ۳- بوسچک و رابرت بلدسو، (۱۳۷۵)، فرهنگ حقوق بین‌الملل، ترجمه بهمن آقایی، کتابخانه گنج دانش.
- ۴- حسینی نژاد، حوریه، (۱۳۸۸)، «جنگ علیه حقوق جنگ»، مجله حقوق بین‌الملل، مرکز امور حقوق بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، شماره ۴۰.
- ۵- شیایزی، گیتی، گریانک، ساک، (۱۳۸۳)، حقوق بین‌الملل کیفری، ترجمه بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی، انتشارات سمت، تهران.
- ۶- فراسیون، منصور، (۱۳۵۴)، راهنمای سازمان ملل متحد (ترجمه)، تهران، انتشارات وزارت علوم و آموزش عالی.
- ۷- ضیائی بیگدلی، محمد رضا، (۱۳۸۰)، حقوق جنگ، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- ۸- ضیائی بیگدلی، محمد رضا، (۱۳۸۱)، حقوق بین‌الملل عمومی، چاپ ۱۸، تهران، گنج دانش.

- ۹- موسی زاده، رضا، (۱۳۷۸)، حقوق بین الملل عمومی، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۱۰- شیعیه نیوز، (۱۳۹۴/۱۰/۷)، داعش و اسرائیل رکورددار نقض حقوق بشر ۲۰۱۴.
- ۱۱- خبرگزاری مهر، (۱۴ مرداد ۱۳۹۳)، آمار جنایات رژیم صهیونیستی در غزه .
- ۱۲- صفاتاج، مجید، (۱۳۸۹)، چین - اسرائیل، روابط، دانشنامه صهیونیسم و اسرائیل.
- ۱۳- قدسنا، (۱۳۹۴/۲/۱۷) مشهورترین جنایات رژیم صهیونیستی، پایگاه رحماء.
- ۱۴- کیالی، ماجد، (۱۳۸۷)، اهداف اسرائیل از جنگ با فلسطینیان، پایگاه تحلیلی راسخون.
- ۱۵- میرطاهر، سیدرضا، (۱۳۸۱)، تاریخچه شکل گیری اسرائیل، مجله حضور، شماره ۴۰.
- ۱۶- یاسری، ابوذر، (۱۳۸۸)، رژیم اسرائیل و جمهوری اسلامی ایران تعارض هویت و منافع، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی



منابع انگلیسی

T. Moren, Human Rights in International Law , Pxford, Clarendon press, 1984 , 2 vols.

A. H. Robertson and Merrills (1989), Human Rights in the World, 3ed ed.

H. Lauterpach (1950), International Law and Human Rights , Praeger, New York .

J. L. Brierly(1963), Law of Nations, 6th ed. , (oxford, Clarendon press.

Geoffrey R. Watson(2000), The Oslo Accords. International law and the Israeli – Palestinian peace Agreements, Oxford university press.

David kretzmer(2002) “ The occupation of justice: the Suprem Court of Israel and Occupied Territories “ , SUNY. Albany., pp 33-34.

Casses , Antonio, (2003), « International Criminal Law», Oxford University Press, Oxford.

Verma, S. K.( 1998) , An Introduction to Public International Law, Prentice – Hall of India, new delhi...

Amnesty International, Israel and the Occupied Territories: Under the rubble, house demolition and destruction of land and property (Index: MDE 15/ 033/2006

G. (1962), Schwarzenberger, Frontiers of International Law, London, Stevens & Sons Ltd. ,

L. Oppenheim,(1952), International Law, vil. 11,7th ed. , London, Longman,

Deutsche Welle || 06. 01. 2009, 17. 01. 2009, 23. 01. 2009, , 25. 01. 2009

Lomond News, 16. 11. 2008.

B. B. C. News, Persian, 07. 01. 2009

[http: //fa. wikipedia. org](http://fa.wikipedia.org)

